

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## کلام الامام، امام الکلام ۳

---

مؤلف: سیّد حسن موسوی خراسانی

۱۵۴ صفحه جیبی

تابستان ۱۳۹۶



## مقدمه:

از آنجا که مردم عالم ره گم کرده‌اند و با فطرت شان به دنبال راهنما می‌گردند و گرچه به زبان نمی‌آورند ولی همچون کودکانی که دست والدین را رها کرده و سرگردان به پیش می‌روند ولی نمی‌دانند به کجا و به چه مقصودی حرکت می‌کنند نیازمند راهبری هستند که دستشان را بگیرد و با مهربانی را هنماییشان کند راهنمایان راه بلدی که همه کوچه پس کوچه‌های دنیا و آخرت را بلدند همان رهبران معصومی هستند که از سوی خداوند و نه تنها ارائه طریق می‌کنند بلکه از طینت پاکشان توفیق ایصال به مطلوب نیز آرزویشان است راهنمایان که در زندگی ظاهریشان هر آنچه لازمه هدایت انسان بود را گفتند و آنان که این گفته‌ها را شنیدند و عمل نمودند به سر منزل مقصودشان رسیدند و آنها که از این گفته‌ها تمرد کردند عواقب شوم خود را دیدند.

راهنمایی که بر خلاف همه مدعیان غیر معصوم سخنان و سکوتشان و عملشان بر همگان حجت است و چون وابسته به وحی الهی هستند بالاتر از سخنانشان سخنی نیست و کلامشان پیشوای همه گفته‌های عالم است و به همین دلیل است که گفته اند کلام الامام امام الکلام یعنی سخن پیشوای معصوم پیشوای همه سخنان است.

مجموعه‌ای که در حضور شماست سومین مجموعه کلام الامام است که حاوی احادیث رسول خدا ﷺ داستان‌ها و برخی از نکته‌ها می‌باشد امید است که مورد استفاده و افاده قرار گیرد و از خرمن فیض اهل بیت (علیهم‌السلام) خوشه‌ای هم نصیب گردآورنده آن شود.

ان شالله

سید حسن موسوی خراسانی

شهریورماه ۱۳۹۶

ذیحجه الحرام ۱۴۳۸

## ۱- قدر زندگی

يَا أَبَا ذَرٍّ، كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ

عَلَى دِرْهِمِكَ وَدِينَارِكَ.<sup>۱</sup>

ای ابوذر برای عمر خودت بخیل تر و حساس تر باش  
تا پول و درهم و دینارت.

## داستان

اسکندر مقدونی جهان گشایی مشهور بود که در مدّت ۱۵ سال  
سلطنتش ۳۶ کشور جهان را فتح کرد و ۳۶ پادشاه را کشت و در نهایت  
در سن ۳۶ سالگی مُرد.<sup>۲</sup>

وقتی او مُرد ۴۰ میلیون قطعه طلا و جواهر و نقره و ظرف طلا و اشیای  
قیمتی از او باقی ماند که آن‌ها را با ۲۰ هزار استر و اسب و پنج هزار شتر  
جابجا می کردند. او وقتی به پیشنهاد زنش به شهر اسطخر آمد مبلغ ۲۲۰  
هزار طالینت یعنی ۲۰۰ هزار دینار طلا از مردم آن شهر به غارت برد...

<sup>۱</sup> (أمالی طوسی، ص: ۵۲۷)

<sup>۲</sup> (تاریخ یعقوبی)

هم او که وصف جنایاتش در هیچ کتابی نگنجد، وصیت کرد که چون عمرم فدای این‌ها شد و چیزی از این همه جواهرات را باخود نمی‌برند دستانم را از تابوت بیرون بگذارید تا مایه عبرت دیگران شود.

که از روی زمین چون دیده بستم

برون آرید از تابوت دستم.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- قدردان عمر باشیم:

قال رسول الله ﷺ: بَادِرٌ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ... وَحَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.<sup>۲</sup>

چهار چیز را قبل از چهار چیز دریاب؛ یکی از آن‌ها عمر و زندگی‌ات را قبل از مرگ.

۲- دوران عمر محدود است:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ الْعُمَرَ مَحْدُودٌ لَنْ يَتَجَاوَزَ أَحَدٌ مَا قَدَّرَ لَهُ فَبَادِرُوا

قَبْلَ نَفَادِ الْأَجْلِ.<sup>۳</sup>

دمی پیش دانا به از عالمی است

<sup>۱</sup> (داستان باستان، ص: ۱۳)

<sup>۲</sup> (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۵۷)

<sup>۳</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص: ۱۷۹)



نگهدار فرصت که عالم دمی است.

۳- روزهای عمر را غنیمت شمار:

قال رسول الله ﷺ: أَبْنَاءُ الْأَرْبَعِينَ، زَرَعُ قَدَدْنَا حَصَادُهُ، أَبْنَاءُ الْخَمْسِينَ هَامُوا إِلَى الْحِسَابِ مَاذَا قَدَّمْتُمْ وَمَاذَا أَخَّرْتُمْ، أَبْنَاءُ السِّتِّينَ لَا عُذْرَ لَكُمْ، أَبْنَاءُ السَّبْعِينَ عُدُّوا أَنْفُسَكُمْ فِي الْمَوْتَى.<sup>۱</sup>

چهل ساله‌ها! زراعتی می‌باشید که هنگام برداشت او رسیده باشد، پنجاه ساله‌ها! آماده حساب شوید ببینید چه چیزی قبلاً فرستاده‌اید و چه چیز بعداً به شما خواهد رسید، شصت ساله‌ها! مواظب اعمال‌تان باشید که دیگر عذر شما قبول نخواهد شد، هفتاد ساله‌ها! خود را جزء مردگان بدانند.

وقت آن است که بر باد رود خرمن عمر

باخبر باش چو ریشت جو و گندم گردد.

۴- مرگ موعظه است:

قال رسول الله ﷺ: كُنْ بِالْمَوْتِ وَاعْظَا.<sup>۲</sup>

مرگ برای پند آموزی بس است.

دردی است اجل که نیست درمان او را

<sup>۱</sup> (جامع الاخبار، ص: ۳۳۰)

<sup>۲</sup> (تحف العقول، ص: ۳۵)

بر شاه و وزیر هست فرمان او را

شاهی که به حکم دوش کرمان می خورد

امروز همی خورند کرمان او را.<sup>۱</sup>

۵- از قبل باید آماده بود:

قال رسول الله ﷺ: النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا اتَّبَهُوا.<sup>۲</sup>

مردم در خوابند و زمانی که از دنیا رفتند بیدار می شوند.

همه مسافر و این بس عجب که قافله‌ای

بر آن که زود به منزل رسیده می گیرند.

۶- تمرین مرگ کنید:

قال رسول الله ﷺ: مَوْتُوْا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا.<sup>۳</sup>

بمیرید قبل از آن که شما را بمیرانند.

---

<sup>۱</sup> (کمال اسماعیلی)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۶۶ ص: ۳۰۶)

<sup>۳</sup> (بحار الأنوار، ج ۶۹ ص: ۵۹)

## ۲- مسئولیت انسان

يَا بَنِي هَاشِمٍ إِنَّ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ<sup>۱</sup>

برای من، عمل من و برای شما عملتان کارساز است.

داستان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت که می‌شود آتش جهنم با سه گروه سخن می‌گوید: کسی که در دنیا سلطنت داشته است و کسی که قاری قرآن بوده است و کسی که از مال دنیا برخوردار بوده است. به سلطان می‌گوید: ای کسی که خداوند به تو سلطنت داد چرا تو عدالت نورزیدی! آنگاه آتش جهنم او را در خود فرو می‌برد چنانکه پرنده دانه کنجد را در خود فرو می‌برد. به قاری می‌گوید: ای کسی که صوت خود را برای مردم زیبا کردی و با ریاکاری به مخالفت و معصیت خدا پرداختی! او را هم در خود فرو می‌برد.

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۸، ص: ۳۶۰)

به دارنده مال و منال می‌گوید: ای کسی که خداوند به تو مال و ثروت داد و تقاضای قرض مردم را رد کردی و کمک نکردی! سپس او را نیز به خود فرو می‌برد.

کلمه ۱:

۱- آخرت بدون عمل آباد نیست:

قال رسول الله ﷺ: اجْتَهِدُوا فِي الْعَمَلِ فَإِنَّ قَصْرَ بَيْتِكُمْ ضَعْفٌ فَكُنُوا عَنِ الْمَعَاصِي.<sup>۱</sup>

در عمل تلاش کنید پس اگر ضعفی پیش آید پس لا اقل گناه نکنید.

۲- عمل سخت و اجر بیشتر:

قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا.<sup>۲</sup>

بالاترین اعمال سخت‌ترین آن‌هاست.

۳- عمل به اضافه فضل خدا:

<sup>۱</sup> (اعلام الدین، ص: ۱۵۳)

<sup>۲</sup> (بحار الانوار، ج ۶۷، ص: ۲۳۷)

قال رسول الله ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مِنْ نَاسٍ أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ قَالُوا وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَعَمَّدَ فِي اللَّهِ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ.<sup>۱</sup>

هیچ کس با عملش وارد بهشت نمی شود، عرض کردند: حتی خود شما ای رسول خدا؟! فرمود: آری من هم چنین هستم، مگر آنکه رحمت خدا شامل من شود.

۴- عمل مربوط به دنیاست:

قال رسول الله ﷺ: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٌ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَدَّ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ.<sup>۲</sup>

زمانی که انسان مُرد دوران عملش قطع می شود مگر سه مورد صدقه جاریه، علم نافع، فرزند صالحی که دعا کند.

۵- قبر سعد بن معاذ را محکم بست:

پس از بستن قبر او فرمود:

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۷، ص: ۱۱)

<sup>۲</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۲۳۹)

قال رسول الله ﷺ: إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَبْلَى وَيَصِلُ إِلَيْهِ الْبَلَاءُ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ در بستن قبر سعی فراوانی کرد و فرمود من می دانم که فردا خراب می شود و لکن خدا دوست دارد که اگر مسلمان عملی انجام می دهد محکم انجام دهد.

۶- ارزش بالای اعمال:

در جنگ خندق علی (علیه السلام) عمرو را کشت رسول خدا ﷺ به علی (علیه السلام) فرمود:

قال رسول الله ﷺ: لَوْ وُزِنَ الْيَوْمَ عَمَلُكَ بِعَمَلِ جَمِيعِ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ لَرَجَحَ عَمَلُكَ عَلَى عَمَلِهِمْ.<sup>۲</sup>

اگر وزن شود روز قیامت و عمل تو با عمل جمیع امت مقایسه شود یقیناً عمل تو بر آنها فزونی و رجحان خواهد داشت.

<sup>۱</sup> (وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۲۳۰)

<sup>۲</sup> (بحار الانوار، ج ۲۰، ص: ۲۱۶)

## ۳- برتری آخرت بر دنیا

يَا عَجْبًا كُلَّ الْعَجَبِ لِمَصْدَقِ بَدَارِ الْخُلُودِ

وَهُوَ سَعَى لِدَارِ الْغُرُورِ.<sup>۱</sup>

در تعجب هستم از کسی که قیامت را تصدیق دارد  
ولی برای دنیا کار و تلاش می‌کند.

داستان

ابوذر غفاری صحابی بزرگوار پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید: شبی رسول خدا ﷺ ما را برای عبادت بیدار نگهداشت و آن حضرت شب خود را با تکرار این آیه به پایان برد:

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.<sup>۲</sup>

اگر آن‌ها را عذاب کنی بندگانی تو هستند و اگر ببخشی توانا و درست‌کرداری.

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۳۲۰۳)

<sup>۲</sup> (مائده، ۱۱۸)

برخی از اهل قرآن آیه دیگری را تکرار می‌کردند کما اینکه سعید بن جبیر یک شب تا صبح را به قرائت این آیه اختصاص داد که:

وَأَمْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ.<sup>۱</sup>

ای بدکرداران از صف نیکوکاران جدا شوید.

در حالات انسان‌های قرآنی برخی از آیات اثر عمیق‌تر و بیشتری داشته و دارد.

کلمه:

### تفاوت آخرت با دنیا:

۱- چیزی مخفی نمی‌ماند:

لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا.<sup>۲</sup>

کتمان نمی‌کند خدا سخنی را.

۲- همه چیز بر ملا می‌شود:

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ.<sup>۳</sup>

روزی که آشکار می‌شود پنهانی‌ها.

<sup>۱</sup> (یس، ۵۹)

<sup>۲</sup> (نساء، ۴۲)

<sup>۳</sup> (طارق، ۹)



۳- زبان بند می‌آید:

يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ.<sup>۱</sup>

روزی که اجازه نطق نمی‌دهند.

۴- عذر نمی‌پذیرند:

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ.<sup>۲</sup>

اذن داده نمی‌شود که معذرت بخواهیم.

۵- راه فراری نیست:

أَيْنَ الْمَفْرُكِ إِلَّا وِرْرٌ.<sup>۳</sup>

کجا فرار کنیم، هرگز راه فراری نیست.

۶- گناه بدوش دیگران ممنوع:

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى.<sup>۴</sup>

وزر کسی به گردن دیگری نمی‌افتد.

۷- پناهندگی ممنوع:

<sup>۱</sup> (مرسلات، ۳۵)

<sup>۲</sup> (مرسلات، ۳۶)

<sup>۳</sup> (قیامت، ۱۰)

<sup>۴</sup> (فاطر، ۱۸)

لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ.<sup>۱</sup>

کسی کسی را پناه نمی‌دهد زیرا این گونه کمک ممنوع است.  
۸- وثیقه ممنوع:

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ.<sup>۲</sup>

هر کسی در گروه کاری است که انجام داده است.  
۹- دائمی است:

أَكْلُهُ دَائِمٌ.<sup>۳</sup>

خوردنی‌هایش همیشگی است.  
۱۰- همیشگی است:

لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ.<sup>۴</sup>

نه تمام می‌شود و نه انسان منع می‌شود.  
۱۱- قابل تخفیف نیست:

فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصِرُونَ.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> (مؤمنون، ۶۵)

<sup>۲</sup> (مدثر، ۳۸)

<sup>۳</sup> (رعد، ۳۵)

<sup>۴</sup> (واقعه، ۳۳)

<sup>۵</sup> (بقره، ۸۶)

تخفیف عذاب از آنها نیست و یاری نمی‌شوند.

## ۴- توبه

يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوُوبُوا إِلَى اللَّهِ وَاسْتَغْفِرُوا

فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ.<sup>۱</sup>

ای مردم به سوی خدا برگردید و توبه کنید

من هم در روز صدبار توبه می‌کنم.

### داستان

جوانی به نزد حضرت علی علیه السلام آمد و به دزدی اعتراف کرد تا اینکه بر او حدّ دزدی بزند تا در قیامت مستوجب عذاب الهی نگردد. او چون جوان بود و اقرار هم کرده و شاکی هم نداشت امام از حقّی که برخوردار آن است چنین کسی را عفو کرد و حدّ را جاری نکرد لذا او را معاف کرد و از او پرسید آیا از قرآن چیزی بلدی؟ گفت: آری سوره بقره را حفظ دارم. حضرت فرمود: گناه تو را به سوره بقره بخشیدم.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> (تفسیر بیان المعانی، ج ۴، ص: ۴)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۸، ص: ۸۸)

کتاب:

- ۱- شرط توبه عمل صالح است:  
إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَاُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.<sup>۱</sup>  
مگر آن‌هایی که توبه کردند و به اصلاح اعمال خود پرداختند و برای مردم آنچه را کتمان می‌کردند بیان کنند.
- ۲- قریب چهل آیه در قرآن با واژه توبه آمده است.
- ۳- توبه واقعی پاک کننده است:  
قال النبي ﷺ: التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.<sup>۲</sup>  
کسی که از گناه پشیمان شده، توبه کند همچون کسی است که گناهی ندارد.
- ۴- توبه جوان پسندیده‌تر است:  
عن رسول الله ﷺ: شَابُّ تَائِبٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ يَحْيَىٰ بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ.<sup>۳</sup>  
پادشاه جوان توبه‌کننده همچون اجر حضرت یحیی بن زکریا علیهما السلام است.
- ۵- اگر توبه فوری است:

<sup>۱</sup> (بقره، ۱۶۰)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص: ۷۵)

<sup>۳</sup> (مجموعه ورام، ج ۲، ص: ۱۱۹)

قال النبي ﷺ: التائب إذا لم يستنِ أثر التوبة فليس بتائب.<sup>۱</sup>

توبه کننده‌ای که آثار پشیمانی را آشکار نکند توبه نکرده است.  
۶- توبه شرایطی دارد:

قال علي عليه السلام: لِقَائِلٍ قَالَ مَحْضَرَتِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَكَلُّفًا أَمْكَ أَتَدْرِي مَا  
الِاسْتِغْفَارُ إِنَّ لِلِاسْتِغْفَارِ دَرَجَةَ الْعِلْمَيْنِ وَهُوَ اسْمُ وَاوْفِعَ عَلَى سِتَّةٍ مَعَانَ.<sup>۲</sup>  
شخصی در حضور امام بدون توجه لازم گفت: استغفر الله، امام فرمود:  
مادرت بر تو بگرید، می‌دانی معنای استغفار چیست؟ استغفار درجه والا  
مقامان است و دارای شش معنا است.

۷- توبه شفاعت می‌کند:

قال علي عليه السلام: لَا سَفِيحَ أَمْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ.<sup>۳</sup>

هیچ پشتیبان و شفاعت‌کننده‌ای پیروزتر از توبه نیست.  
۸- توبه تشابه پشیمانی است:

قال الباقر عليه السلام: كَفَى بِاللَّذِيرِ تَوْبَةً.<sup>۴</sup>

پشیمانی برای توبه کافی است.

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۶، ص: ۳۵)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۴۱۷)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۸، ص: ۱۹)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۴۲۶)

## ۵- دعا

يَا عَلِيُّ، أُوصِيكَ بِالذُّعَاءِ فَإِنَّ مَعَهُ الْإِجَابَةَ.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: سفارش می‌کنم تو را به دعا کردن چرا که اجابت همراه دعاست.

### داستان

محمد بن سهل می‌گوید: به همراه کمیت شاعر معروف زمان امام صادق عليه السلام به محضر حضرتش رسیدیم، کمیت اجازه خواست که شعرش را در محضر امام بخواند، حضرت اجازه فرمودند و گفتند: این روزها روزهای بزرگی است بخوان. پس امام کسی را فرستاد و گفت خانواده‌ام را هم دعوت کنید نزدیک بیایند و در اندرونی بشنوند، همه شنیدند و گریه کردند چون به این جمله رسید که (یصیب به الرامون) حضرت دست به آسمان بلند کردند به خدا عرض کردند: خداوند! گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار بر کمیت را بیامرز و آنقدر به او عطا کن که خشنود شود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> (وسائل الشیعه، ج ۷، ص: ۲۹)

<sup>۲</sup> (ترجمه الغدير، ج ۴، ص: ۲۱)

## کلمه:

۱- در ۱۸ مورد از قرآن لفظ دعاء آمده است.

۲- در دعا باید خداشناس بود:

از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «أَمَّنْ يُجِيبُ» سؤال شد؛ چرا ما سؤال می‌کنیم

ولی جواب نمی‌شنویم؟ فرمود:

لَا تَكْمُرُ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَ وَتَسْأَلُونَ مَا لَا تَفْهَمُونَ.<sup>۱</sup>

برای اینکه شما چیزی را می‌خواهید که شناختی به آن ندارید و درخواست

چیزی را دارید که قدرت درک و فهم آن را ندارید.

۳- بهترین دعا:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكْتُرُ أَنْ يَقُولَ: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

حَسَنَةً وَفِي آعَذَابِ النَّارِ.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ زیاد این دعا را می‌خواندند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی

عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار.

۴- دعا برنده است:

<sup>۱</sup> (تفسیر صافی، ج ۱، ص: ۲۲۳)

<sup>۲</sup> (تفسیر روح البیان، ج ۱، ص: ۳۲)



قال الصادق عليه السلام: الدُّعَاءُ أَفْذَمُ مِنَ السَّنَانِ الْحَدِيدِ.<sup>۱</sup>

دعا برنده تر از نیزه آهنین است.

۵- دعای مظلوم مستجاب است:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ.<sup>۲</sup>

نفرین مسلمان مظلوم مستجاب است.

آتش سوزان نکند باسپند آنچه کند دودِ دل مستمند.<sup>۳</sup>

۶- اجابت دعا با حکمت است:

قال علي عليه السلام: إِنَّ كَرَمَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَنْقُضُ حِكْمَتَهُ فُلْدَلِكُ لَا تَقَعُ إِلَّا جَابَةٌ فِي كُلِّ دَعْوَةٍ.<sup>۴</sup>

کرم خدا حکمتش را نقض نمی کند و لذا هر دعائی مستجاب نمی شود.

لذا در ضرب المثل است اگر دعای طفلان را اثر بودی، یک معلم زنده نماندی.

گر دعای جمله مستجاب شدی هر دمی عالمی خراب شدی.<sup>۵</sup>

۷- دعای از صمیم دل مستجاب است:

قال رسول الله ﷺ: دُعَاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ لَا يَرُدُّ.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۴۶۹)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۸، ص: ۹)

<sup>۳</sup> (سعدی)

<sup>۴</sup> (غررالحکم، ص: ۲۲۶)

<sup>۵</sup> (اوحدی)

<sup>۶</sup> (نهج الفصاحه، ح: ۱۵۶۲)

دعائی که برادر پشت سر برادر خود کند رد شدنی نیست.

## ۶- نظر و نگاه

يَا عَلِيُّ! أَوَّلُ النَّظَرِ لَكَ وَالثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَلَا لَكَ<sup>۱</sup>.

اولین نگاه از تو است و دومین نگاه

علیه تو می باشد.

داستان

عبدالله بن حنظله فرزند حنظله غسیل الملائکه یعنی همان کسی که به امر رسول خدا ﷺ غسل نکرده به میدان جنگ رفت و در رکاب پیامبر به شهادت رسید فرزندش عبدالله همانند پدر شهیدش انسانی صالح و بلند مرتبه بود.

یک بار صدای خواندن قرآن بگوشش رسید که خبر از اهل جهنم می داد، از شنیدن آیه جهنم به گریه افتاد و آنقدر گریه کرد که ترس جانش را داشتند.

پس از گریه فراوان ایستاد به او گفتند بنشین، گفت یاد جهنم مرا از نشستن باز داشته زیرا از کجا معلوم که من یکی از آنان نباشم؟!<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۴۷۴)

<sup>۲</sup> (قصه های قرآنی، ص: ۹۱)

### کلمه:

- ۱- چه بسا نگاهی که درخت هوس نشاند:  
 قال علی (علیه السلام): رَبِّ صَبَابَةٍ غُرِسَتْ مِنْ لِحْطَةٍ.<sup>۱</sup>  
 چه بسا عشق ورزیدن که از یک نگاه در دل کاشته شود.  
 من گر آن دربتان که آخر کار نگریستن، گریستن آرد ببار.<sup>۲</sup>
- ۲- راحتی دل در بستن چشم است:  
 قال علی (علیه السلام): مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَرَّاحَ قَلْبِهِ.<sup>۳</sup>  
 کسی که چشم خود را پائین اندازد دلش را آلوده نگرداند.  
 ۳- نگاه اندک و حسرت بسیار:  
 قال الصادق (علیه السلام): كَرَمٍ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً.<sup>۴</sup>  
 ای بسا نگاهی که حسرتی طولانی به بار آورده است.  
 ۴- نگاه کاشتن بذر شهوت است:

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۳۸۱)

<sup>۲</sup> (سنائی)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۶۶۳)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۵، ص: ۵۵۹)

قال الصادق (عليه السلام): إِيَّاكُمْ وَالنَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَكَهَيَّ  
بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً.<sup>۱</sup>

از نگاه کردن به حرام بهره‌یزید زیرا بذر شهوت را در دل می‌کارد و  
این خود برای فتنه و به گناه انداختن نگاه کننده کافی است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد<sup>۲</sup>

۵- نگاه در دل اثر گذار است:

قال علی (عليه السلام): الْعَيْنُ بَرِيدُ الْقَلْبِ.<sup>۳</sup>

نگاه، قاصد دل است.

۶- چشم دام است:

قال علی (عليه السلام): الْعُيُونُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ.<sup>۴</sup>

چشم‌ها دام‌های شیطانند.

<sup>۱</sup> (تحف العقول، ص: ۳۰۵)

<sup>۲</sup> (باباطاهر)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۳۱)

<sup>۴</sup> (تحف العقول، ص: ۱۵۱)

۸- چشم را بند تا بینی:

قال رسول الله ﷺ: غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ.<sup>۱</sup>

چشمان خود را از حرام فرو بندید تا شگفتی‌ها را ببینید.

---

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص: ۴۱)

## ۷- تجارت

إِنَّ التُّجَّارَ يُبْعَثُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُجَّارًا  
إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَبَرَّ وَصَدَقَ.<sup>۱</sup>

تجّار روز قیامت با عنوان فاجران محشور می‌شوند  
جز افرادی از آنان که تقوا پیشه و نیکی  
نمایند و راستگو باشند.

## داستان

بازرگانی به خدمت امام صادق (علیه السلام) آمد و از فشار زندگی شکایت کرد، امام فرمود: وقتی به کوفه بازگشتی مغازه‌ات را نظافت کن و در درب مغازه بنشین موقعی که خواستی به بازار بروی دو رکعت نماز بخوان و بگو خدایا من به تو تکیه کرده‌ام و تمنای روزی و گشایش زندگی از تو دارم و کسی جز تو توان برآوردن این مهم را ندارد.

ابوطیّار وقتی به شهر خود برگشت به دستور امام عمل کرد و بدون سرمایه دم در مغازه نشست پس از ساعتی پارچه‌فروشی آمد و نصف مغازه را برای پارچه‌فروشی اجاره کرد با این شرط که نصف فروش پارچه را به

<sup>۱</sup> (لسان العرب، ج ۴، ص: ۸۹)

صاحب مغازه بدهد، چون هوا سرد بود مردم برای خرید پارچه هجوم آوردند و تا غروب پارچه‌ها فروخته شد و از آن پس ابوطیاری کار حق‌العمل کاری در پیش گرفت و صاحب خانه و اسب و باغ شد.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- ۵ مورد در قرآن مجید لغت تجارت به کار رفته است.

۲- تاجر خوب با شهیدان خواهد بود:

قال رسول الله ﷺ: التَّاجِرُ الصَّدُوقِي يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الصَّادِقِينَ

وَالشُّهَدَاءِ.<sup>۲</sup>

تاجر درست‌کار در روز قیامت با راستگویان و شهیدان محشور می‌شود.

۳- تجارت و داوری دو شغل مبارک:

قال رسول الله ﷺ: الْبَرَكَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَعْشَارُهَا فِي التَّجَارَةِ وَ

الْعُشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ.<sup>۳</sup>

برکت ده جزء است؛ نه جزئش در تجارت و بازرگانی است و یک

جزئش در پوست.

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۱۱، ص: ۲)

<sup>۲</sup> (تفسیر بیان المعانی، ج ۴، ص: ۵۱)

<sup>۳</sup> (خصال، ج ۲، ص: ۴۴۵)



۴- تجارت عقل را زیاد می کند.

قال الصادق عليه السلام: التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.<sup>۱</sup>

سوادگری و تجارت در عقل بیفزاید.

۵- تجارت دارای ثواب جهاد:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ سَعَى عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلٍّ فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ

اللهِ وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حِلًّا لَافِي عَفَافٍ كَانَ فِي دَرَجَةِ الشُّهَدَاءِ.

هر کس برای تأمین روزی عیالش از راه حلال سعی و تلاش کند همچون کسی است که در راه خدا پیکار می کند و هر آن کس که با آبرومندی در پی حلال دنیا باشد، در مقام و منزلت شهیدان است.

۶- تجارت کننده محبوب خداست:

قال علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ.<sup>۲</sup>

همانا خدای بزرگ، پیشه‌ور با ایمان را دوست می دارد.

۷- تجارت کار مشکلی است:

قال الصادق عليه السلام: مُجَالِدَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ.<sup>۳</sup>

جنگ با شمشیر از کسب روزی حلال آسان تر است.

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۵، ص: ۱۴۸)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۵، ص: ۱۱۳)

<sup>۳</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص: ۴۲۲)

## ۸- مرگ و اجل

يَا أَبَا ذَرٍّ، لَوْنَطَّرْتَ إِلَى الْأَجَلِ وَمَسِيرِهِ  
لَأَبْغَضْتَ الْأَمَلَ وَغُرُورَهُ.<sup>۱</sup>

اگر نظر کنی به اجل و مسیر آن، بغض آرزوهای  
بلند پیدا خواهی کرد و گول غرورش نخواهی خورد.

داستان

شخصی به نام بُشَرِ حافی که به برکت تذکره امام هفتم (علیه السلام) به راه خدا  
کشیده شده و جزء افراد صالح شده بود را دیدند که در لحظه مرگ می-  
گریست. کسی از او پرسید: به خاطر علاقه‌ات به دنیاست که گریه می-  
کنی؟ گفت: نه! ولی به محضر خدا رفتن و پاس‌خگویی، کاری سخت  
است.<sup>۲</sup>

ولید از قصاب عب بود بسیاری از مشکلات عب به دست او حل می‌شد  
و ثروت فراوانی داشت، گروهی به شکایت، از نفوذ اسلام احساس خطر

<sup>۱</sup> (أمالی طوسی ص: ۵۲۶)

<sup>۲</sup> (کشف الاسراء، ج ۱، ص: ۴۸۱)

کرده نزد او رفتند تا چاره‌ای بیندیشد! و خواستار قضاوت درباره قرآن محمد شدند و از او می‌پرسیدند که آیا قرآن محمد سحر و جادو یا کهنات است؟! ولید از آن‌ها مهلت خواست تا پس از شنیدن حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نظرش را بدهد. از جای خود بلند شد و آمد در حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام در کنار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشست و به او گفت: شعرهایت را برایم بخوان حضرت فرمود: این شعر نیست بلکه کلام خداست که بدان پیامبران و رسولانش را فرستاده، گفت: تلاوت کن، آنگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین خواند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... چون وی لفظ «رحمان» را شنید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را استهزا کرد و گفت: مرادت مردی است که در یمامه به نام رحمان خوانده می‌شود؟ فرمود: نه، نام خدا را می‌خوانم که رحمان و رحیم است. سپس به تلاوت سوره حم (سجده) پرداخت و چون به این گفته خدا رسید که فَإِنَّ أَعْرَصُ أَفْقُلٍ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَتَمُودَ؛ «اگر کافران از خدا روی گردانند بگو من شما را از صاعقه‌ای چون صاعقه عاد و تمود ترسانیدم» و وی بشنید پیکرش به لرزه درآمد و موی‌های بدنش راست شد و برخاست و به خانه خود رفت و نزد قریشیان بازنگشت.<sup>۱</sup>

کلمه:

<sup>۱</sup> (تحف العقول، ص: ۴۶۵)

۱- همه را در بر می گیرد:

قرآن می فرماید: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ.<sup>۱</sup>

هر کس مزه مرگ را خواهد چشید.

۲- تو خوراک مرگ هستی:

قال علی (علیه السلام): أَنْتَ قُوْتُ الْمَوْتِ.<sup>۲</sup>

تو طعمه مرگ هستی!

۳- ملکی فریاد می زند:

قال علی (علیه السلام): إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يُنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ لِدُومِ الْمَوْتِ وَاجْمَعُوا لِلْفَنَاءِ

وَأَبْنُوا لِلْخَرَابِ.<sup>۳</sup>

خدا فرشته‌ای دارد که هر روز جار می زند. بزائید برای مردن، و

جمع آوری کنید برای نابود گشتن و بنا کنید برای ویران شدن.

اگر چرخ گردون کشد زین تو

سرانجام خشت است بالین تو.<sup>۴</sup>

۴- أجل نگهبان است:

<sup>۱</sup> (آل عمران، ۱۸۵)

<sup>۲</sup> (تحف العقول، ص: ۹۸)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۱۲۸)

<sup>۴</sup> (فردوسی)

قال علی (علیه السلام): كُنِّي بِالْأَجْلِ حَارِسًا.<sup>۱</sup>

نگهبانی اجل کافی است.

همه مسافر و این بس عجب که قافله‌ای

برای آن که زود به منزل رسیده می‌گیرند.

۵- چقدر زندگی و مرگ به هم نزدیکند:

قال علی (علیه السلام): مَا أَقْرَبَ الْحَيَاةَ مِنَ الْمَوْتِ.<sup>۲</sup>

شخصی همه شب برسر بیمار گریست

چون روز شد او بمرد و بیمار بزیست.<sup>۳</sup>

۶- مرگ پندی خوب است:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): كُنِّي بِالْمَوْتِ وَاعْظًا.<sup>۴</sup>

مرگ برای پند دادن کافی است.

مجلس وعظ رفتنت هوس است

مرگ همسایه، واعظ تو بس است.<sup>۵</sup>

۷- مردم خواب با مرگ بیدار می‌شوند:

<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۱۲۸)

<sup>۲</sup> (غرر الحکم، ص ۶۸۵)

<sup>۳</sup> (سعدی)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۲۷۵)

<sup>۵</sup> (سنائی)

قال رسول الله ﷺ: النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا اتَّبَعُوا.<sup>۱</sup>

مردم خوابند و چون بمیرند بیدار شوند.

آخر الامر گل کوزه گران خواهی شد

حاليا فکر سبوکن که پر از باده کنی.

---

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص: ۱۳۴)

## ۹- کار خوب

يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ حَرْثَ الْآخِرَةِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ،  
وَحَرْثَ الدُّنْيَا الْمَالُ وَالْبَنُونَ.<sup>۱</sup>

ای اباذر! کشت اخروی در گرو عمل صالح  
و کشت دنیا بسته به مال و فرزند است.

## داستان

مردی از اهالی شام آمد و گفت: صفوان بن سلیم را به من نشان بدهید چون من او را دیدم که وارد بهشت می‌شود، به او گفتم: به خاطر چه کاری؟ گفتند به خاطر پیراهنی که بر تن انسانی پوشانده است. داستان پیراهن را از صفوان پرسیدند او گفت: در شبی سرد از مسجد بیرون آمدم. مردی لخت و بی‌لباس را دیدم. پیراهنم را درآوردم و بر تن او پوشاندم.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> (أمالی طوسی، ص: ۵۳۲)

<sup>۲</sup> (هر چه کنی، ص: ۱۹)

## کلمه:

۱- برای عمل خوب عجله کنید:

قال علی (علیه السلام): **بَادِرُوا الْعَمَلَ وَخَافُوا بَعْتَةَ الْأَجَلِ**.<sup>۱</sup>

به سوی عمل بشتابید و از رسیدن ناگهانی اجل بترسید.

ای که دستت می‌رسد کاری بکن

پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار.

۲- سزای عمل صالح، عمل صالح است:

قال الحسين (علیه السلام): **مَنْ أَحْسَنَ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ**.<sup>۲</sup>

هر که نیکی کند خدا هم به او نیکی خواهد کرد.

۳- سزای بدی:

قال علی (علیه السلام): **لَنْ يَلْقَى جَزَاءَ الشَّرِّ إِلَّا عَامِلُهُ**.<sup>۳</sup>

سزای بدی را جز بدکار نبیند.

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش

که گناه دگری بر تو نخواهند نوشت.

---

<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، خطبه: ۱۱۴)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص: ۱۲۲)

<sup>۳</sup> (غرر الحکم، ص: ۵۵۲)



۴- عمل صالح و دل صالح:

قال علي عليه السلام: الْأَعْمَالُ ثِمَارُ النَّيَّاتِ.<sup>۱</sup>

کردارها ثمره نیت‌ها هستند.

۵- ظاهر و باطن:

قال علي عليه السلام: إِذَا أَحْسَنْتَ الْقَوْلَ فَأَحْسِنِ الْعَمَلَ.<sup>۲</sup>

چون خوش گفتار شدی، نیکوکار هم باش.

۶- عمل نتیجه علم است:

قال علي عليه السلام: إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا.<sup>۳</sup>

وقتی دانستید به دانسته خود عمل کنید.

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی<sup>۴</sup>

۷- عمل صالح محکم کاری است:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِنِ.<sup>۵</sup>

هر گاه کسی از شما کاری کرد محکم کاری کند.

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۵۱)

<sup>۲</sup> (غررالحکم، ص: ۲۹۲)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۲۸۰)

<sup>۴</sup> (سعدی)

<sup>۵</sup> (وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۲۲۹)

۱۰- خدعه

يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ لِيَخْدَعَ بِهِ النَّاسَ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ.<sup>۱</sup>

هر کسی علمی را بیاموزد تا مردم را خدعه کند  
بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید.

داستان

سفیر انگلستان برای مدرّس چکی فرستاد به این امید که شاید او خود را به پول بفروشد. مدرّس پرسید این چیست؟ آورنده چک گفت: این چک است آن را به بانک می‌برند پول می‌گیرند، مدرّس خنده‌ای کرد و گفت: به سفیرتان بگوئید که سکه‌ها را بر روی شتر بار کنند و در روز روشن برایم بیاورند. وقتی سفیر انگلیس از جواب مدرّس مطلع شد گفت: من می‌دانم که او پول و سکه نمی‌خواهد بلکه می‌خواهد آبروی ما را در دنیا ببرد!<sup>۲</sup>

کتاب:

<sup>۱</sup> (مکارم الاخلاق، ص: ۴۶۰)

<sup>۲</sup> (داستان‌های مدرّس، ص: ۱۴۱)

۱- خدعه صفت پستی است:

قال علي عليه السلام: لَا تَعْمَلْ بِالْخَدِيعَةِ فَإِنَّهُ خُلِقَ لِثَبَرٍ.<sup>۱</sup>

نیرنگ به کار مبر که آن روش بسیار پستی است.

۲- خدعه کنی خدعه می‌بینی:

قال علي عليه السلام: مَنْ خَادَعَ اللَّهَ خُدِعَ.<sup>۲</sup>

هر که با خدا خدعه کند خود خدعه می‌بیند.

۳- خدعه شیوه بدان است:

قال علي عليه السلام: الْمَكْرُ شِيْمَةُ الْمَرْدَةِ.<sup>۳</sup>

نیرنگ صفت سرکشان است.

۴- جایگاه مکر آتش است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ.<sup>۴</sup>

همانا مکر و نیرنگ در آتش است.

۵- صفت افراد پست است:

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۷۴، ص: ۲۰۹)

<sup>۲</sup> (غررالحکم، ص: ۵۸۱)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۴۰)

<sup>۴</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص: ۲۴۲)

قال علی علیه السلام: إِيَّاكَ وَالْخَدِيعَةَ فَإِنَّ الْخَدِيعَةَ مِنْ خُلُقِ النَّبِيِّ<sup>۱</sup>.

از مکر و فریب دوری کن که این کار از عادات فرومایگان است.  
۶- اگر خدعه ممنوع نبود:

قال علی علیه السلام: لَوْلَا أَنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمَّكَرَ النَّاسِ<sup>۲</sup>.

اگر صاحبان نیرنگ در آتش نبودند البته من از نیرنگ‌بارترین مردم می‌بودم.

۷- سرآغاز حکمت:

قال علی علیه السلام: رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَجْتَبُ الْخُدَعِ<sup>۳</sup>.

رأس حکمت و سرآغاز دانش، دوری گزیدن از نیرنگ‌هاست.  
۸- مؤمن خدعه نمی‌شود:

عن النبي صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُدْغُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ<sup>۴</sup>.

مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

۹- نه گول بزن و نه گول بخور:

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۲۹۱)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۳۳۶)

<sup>۳</sup> (عیون الحکم، ص: ۲۶۳)

<sup>۴</sup> (بحار الأنوار، ج ۱۹، ص: ۳۴۶)

قال علی (علیه السلام): إِيَّاكَ أَنْ تُخَدَعَ عَنْ صَدِيقِكَ أَوْ تُغْلَبَ عَلَى عَدُوِّكَ.<sup>۱</sup>  
 مواظب باش تا از دوست فریب نخورده و یا مغلوب دشمنت نگردی.

---

<sup>۱</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۲۲۳۳)

## ۱۱- حرص و آز

يَابْنَ آدَمَ عِنْدَكَ مَا يُكْفِيكَ وَتَطْلُبُ مَا يُطْغِيكَ.<sup>۱</sup>

آنچه نزد توست تو را کفایت می کند ولی تو

چیزی می طلبی که مایه طغیان توست.

### داستان

در مزمت حرص و افزون طلبی داستان‌های زیادی شنیده و دیده‌ایم در اینجا به یک نمونه از مطالب حکیمانه‌ای اشاره می‌کنیم که از نصایح افلاطون حکیم است.

افلاطون می‌گوید: حریص‌ترین حیوانات مگس است و قانع‌ترین آن‌ها عنکبوت است خداوند حکیم حریص‌ترین حیوانات را روزی قانع‌ترین آن‌ها قرار داد که عنکبوت بوسیله حيله شبکه تار خود مگس را صید کرده طعمه خود قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۲۴)

<sup>۲</sup> (هزار و یک مطلب خواندنی، ص: ۲۳۱)

کتاب:

۱- سفارش رسول خدا ﷺ

قال رسول الله ﷺ: إِيَّاكَ وَالطَّمَعُ.<sup>۱</sup>

از طمع بپرهیز.

از حرصی گدای ره باشی

باش قانع که پادشه باشی.<sup>۲</sup>

۲- طمع کار در بند خواری است:

قال علی (عليه السلام): الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الذُّلِّ.<sup>۳</sup>

طمع کار در بند ذلت و خواری است.

۳- طمع نداشتن و خوشی:

قال علی (عليه السلام): مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعِيشَ حُرًّا أَيَّامَ حَيَاتِهِ فَلَا يُسْكِنِ الطَّمَعَ قَلْبَهُ.<sup>۴</sup>

هر که می خواهد در زندگی اش آزاد زندگی کند طمع را در دل خود

جای ندهد.

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۷۴، ص: ۱۳۰)

<sup>۲</sup> (مکتبی)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۲۲۲)

<sup>۴</sup> (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۵۰)

۴- کلید ذلت:

قال الكاظم عليه السلام: إِنَّ الطَّمَعَ مِفْتَاحُ الذُّلِّ.<sup>۱</sup>

طمع کلید خواری است.

مکن ترک تازی، بکن ترک آز به قدر گلیمت بکن پا دراز.

۵- طمع کار سیری ندارد:

قال الصادق عليه السلام: مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ.<sup>۲</sup>

هر که قناعت نکند سیر نشود.

۶- طمع کار بی بهره است:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الْحَرِيصُ مَحْرُومٌ.<sup>۳</sup>

آدم حریص همیشه محروم است.

۷- حریص نادار است:

قال علي عليه السلام: كُلُّ حَرِيصٍ فَقِيرٌ.<sup>۴</sup>

هر حریصی، نیازمند و فقیر است.

۸- حریص حدی ندارد:

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۱، ص: ۱۵۶)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۸، ص: ۲۴۳)

<sup>۳</sup> (مصباح الشریعه، ص: ۱۱۷)

<sup>۴</sup> (غررالحکم، ص: ۵۰۶)



قال علیؑ: الْحَرِیصُ لَا یَكْتَفِی.<sup>۱</sup>

حریص به هیچ حدی از ثروت بسنده نمی‌کند.

هر که را با طمع سروکار است گر عزیز جهان بود خوار است.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۳۱)

<sup>۲</sup> (مکتبی)

## ۱۲- قانع بودن

يَا بَنَ آدَمَ! لَا بِقَلِيلٍ تَقْنَعُ وَلَا مِنْ كَثِيرٍ تَشْبَعُ.<sup>۱</sup>

ای فرزند آدم! نه به کم قانع می شوی

و نه با زیاد سیر می شوی.

داستان

روزی نایب السلطنه پسر ناصرالدین شاه قاجار به منزل آیت الله کنی وارد شد حضرت آیت الله با احترام از او پذیرایی نمود، به دلیل پیری و درد پاهایشان را دراز کردند و معذرت خواهی کردند، نایب السلطنه از این کار ناراحت شد و گفت آقا من هم پایم درد می کند و پایش را دراز کرد.

آیت الله کنی فرمود: من که پایم را دراز کردم دستم را از بیت المال مسلمین و عرض مردم کوتاه کردم تو هم دست را از بیت المال کوتاه نما و پایت را دراز کن!<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص: ۲۷)

<sup>۲</sup> (لطیفه های آموزنده)

کتاب:

۱- در هنگام فقر قناعت کن:

قال علی علیه السلام: إِذَا حُرِمْتَ فَأَقْتَعْ.<sup>۱</sup>

وقتی نداری، قناعت کن.

۲- به آنچه خدا داده قانع باش:

قال الصادق علیه السلام: أَقْتَعْ بِمَا قَسَمَهُ اللهُ لَكَ.<sup>۲</sup>

به آنچه خدا قسمت کرده قانع باش.

۳- ضرب المثلی که برگرفته از حرکت حضرت علی علیه السلام است می

گوید: بهتر است آدمی به جای وعده به قصاب، به شکم خودش وعده دهد. و هم گفته‌اند به کشکینه و پشمینه خود بساز.

۴- عزت در قناعت است:

قال علی علیه السلام: إِقْتَعْ تَعَزَّ.<sup>۳</sup>

قناعت کن تا عزیز شوی.

به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلچ

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص ۲۸۲)

<sup>۲</sup> (تحف العقول، ص: ۳۰۴)

<sup>۳</sup> (بحار الانوار، ج ۷۵، ص: ۵۳)

که بار محنت خود به زبار منت خلق.<sup>۱</sup>

۵- طمع که نباشد غم نیست:

قال علی علیه السلام: لا غمَّ للقانع<sup>۲</sup>

قانع غمی ندارد.

۶- آسایش در گرو قناعت:

قال الحسن علیه السلام: القنوع راحة الأبدان.<sup>۳</sup>

قناعت باعث آسایش تن هاست.

۷- در مثل ها گفته اند: نه غسل خواهیم، نه نیش زنبور عسل.

۸- بی نیازی در قناعت:

قال علی علیه السلام: القناعة تُغني.<sup>۴</sup>

قناعت، بی نیاز و توانگر می کند.

تا صدف قانع نشد پُر دُر نشد

کاسه چشم گدایان پر نشد.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> (سعدی)

<sup>۲</sup> (نثر الالئ، ترجمه شیخی، ص: ۹۶)

<sup>۳</sup> (بحار الانوار، ج ۷۵، ص: ۱۲۸)

<sup>۴</sup> (غرر الحکم، ص: ۱۸)

<sup>۵</sup> (مولوی)

۹- قانع چشم و دل سیر است:

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ مَنْ قَنَعَ سَبْعَ وَمَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَسْبَعْ.<sup>۱</sup>

هر که قناعت کند، سیر می‌شود و هر که قناعت نکند سیر نمی‌شود.

---

<sup>۱</sup> (تحف العقول، ص: ۳۰۴)

### ۱۳- دین

ایاَیَّهَا النَّاسُ اتَّخِذُوا التَّقْوَىٰ تِجَارَةً.

ای مردم تقوا را مال التجاره خود کنید  
که رزق بی زحمت به سراغتان نیاید.

#### داستان

امام خمینی رحمته الله علیه به رعایت تقوی در مورد رعایت قوانین جامعه پایبند بود و در حفظ بیت‌المال حتی در زمان رژیم فاسد پهلوی می‌کوشید. فرزند بزرگوار امام مرحوم حاج آقا مصطفی قدس سره می‌گوید: در شهر همدان امام هنگام عبور از عرض یکی از خیابان‌ها به خاطر عدم عبور از روی جدول وسط خیابان که چمن‌کاری بود مسافت زیادی را طی می‌کردند تا از تقاطع عابر پیاده عبور کنند و مجبور نباشند روی چمن‌ها قدم بگذارند.<sup>۱</sup>

کتاب:

۱- هر صبح و شب تقوی:

<sup>۱</sup> (برداشت‌هایی از سیره امام، ج ۴، ص: ۲۹۱)

قال علی (علیه السلام): اتَّقِ اللَّهَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ.<sup>۱</sup>

در هر صبح و شام رعایت تقوی کن.  
اگر ایمانت هست و تقوی نیست

خاتم ملک بی سلیمان است.

۲- خوشی بدون مال:

قال علی (علیه السلام): مَنْ سَرَّهُ الْعَنَى بِلَا مَالٍ وَالْعِزُّ بِلَا سُلْطَانٍ وَالْكَثْرَةُ بِلَا عَشِيرَةٍ فَلَيْتَ خُرُجَ مَنْ ذُلَّ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ فَإِنَّهُ وَاجِدُ ذَلِكَ كُلِّهِ.<sup>۲</sup>

کسی که خوش دارد که از بی نیازی بدون مال، و عزت بدون مقام، و فزونی یاران بدون طایفه برخوردار گردد، باید از ذلت معصیت خدا به عزت طاعت خدا درآید.

هر که پرهیزگار و خرسند است تا دو گیتی است او خداوند است.<sup>۳</sup>  
۳- راهنمای سعادت:

قال علی (علیه السلام): التَّقِيُّ سَائِقٌ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ.<sup>۴</sup>

تقوا سوق دهنده به سوی هر خیر و خوبی است.

<sup>۱</sup> (مکاتیب الأئمه، ج ۲، ص: ۲۵۹)

<sup>۲</sup> (غررالحکم، ص: ۶۴۵)

<sup>۳</sup> (سنائی)

<sup>۴</sup> (کنز الفوائد، ج ۱، ص: ۲۷۹)

۴- آقای در آخرت:

قال علی (علیه السلام): ساداتُ النَّاسِ في الدُّنْيا الأَسْخِياءُ، وَفي الآخِرَةِ الأَتْقِياءُ.<sup>۱</sup>

سخاوتمندان سروران دنیا و پرهیزکاران سروران آخرتند.

۵- میوه تقوی هدایت است:

قال علی (علیه السلام): مَنْ عَرَسَ أَشْجَارَ التُّمَى جَنَى ثِمَارِ الْهُدَى.<sup>۲</sup>

آن که درختان تقوی بکارد میوه‌های هدایت بچیند.

نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود

چون طهارت نبود کعبه و بت‌خانه یکی است.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> (غرر الأخبار، ص: ۵۴)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص: ۹۰)

<sup>۳</sup> (حافظ)



## ۱۴ - نافله شب

يَا أَبَا ذَرٍّ احْفَظْ وَصِيَّةَ نَبِيِّكَ تَنْفَعَكَ مَنْ خُتِمَ لَهُ

بِقِيَامِ اللَّيْلِ ثُمَّ مَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ<sup>۱</sup>

ای اباذر وصیت پیامبرت را نگهدار که به نفع توست.  
کسی که زندگی اش با نماز شب به پایان برسد  
اهل بهشت است.

## داستان

گاهی انسان مأیوس می شود ولی به دلیلی به سوی حقایقی رهنمون می شود و از یأس و ناامیدی بیرون آمده و امیدوار می شود.  
حضرت آیت الله بهجت رحمته الله فرمودند: کسی در صدد برآمده بود که ببیند چه کسانی در سحر ماه رمضان در حرم حضرت علی علیه السلام در قنوت نماز وترش، دعای ابوحمزه ثمالی می خواند و مقید است این عمل را هر شب انجام دهد! (مخفی نماند که این دعا که منسوب به حضرت سجاد علیه السلام است قریب بیست و پنج صفحه از مفاتیح است)

<sup>۱</sup> (وسائل الشیعه، ج ۸، ص: ۱۵۴)

وقتی بررسی کرد دید هر شب پنجاه نفر در حرم حضرت امیر (علیه السلام) این دعای شریف را در قنوت نماز وتر (آخرین رکعت از یازده رکعت نماز شب) می‌خوانند.

کلمه:

۱- نماز شب و مقام محمود:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَنَّ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا.<sup>۱</sup>

و قسمتی از شب را تهجد و عباد کن باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد.

۲- ثبات قدم در پرتو نماز شب:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا.<sup>۲</sup>

قیام به نماز شب پابرجاتر و در دل مردم اثر ماندگارتر می‌دارد.

۳- تسبیح خدا:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا.<sup>۳</sup>

و قسمتی از شب را به سجده بپرداز و تسبیح طولانی داشته باش.

<sup>۱</sup> (اسراء، ۷۹)

<sup>۲</sup> (مزل، ۶)

<sup>۳</sup> (انسان، ۲۶)

۴- از صفات متقین است:

كَأَنَّهُمْ قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ<sup>۱</sup>.

مؤمنان، کمی از شب را می خوابیدند، و در سحرگاهان استغفار می کردند.

۵- نماز شب را قدر بدان:

قال الباقر عليه السلام: لَهْوُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَسْيَاءَ التَّمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ وَمُفَاكَهَةِ

الْإِخْوَانِ وَالصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ<sup>۲</sup>.

لهو و خوشی مؤمن در سه چیز است: ۱- بهره گیری از زنان، ۲- مزاح

با برادران ۳- و نماز شب خواندن.

۶- نماز شب زینت آخرت است:

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ الثَّمَانِينَ رَكَعَاتٍ يُصَلِّيهَا الْعَبْدُ آخِرَ اللَّيْلِ زِينَةُ

الْآخِرَةِ<sup>۳</sup>.

هشت رکعتی که بنده در آخر شب می خواند زینت آخرت است.

۷- نماز شب مایه خوشحالی است:

<sup>۱</sup> (ذاریات، ۱۷-۱۸)

<sup>۲</sup> (بحار الانوار، ج ۸۴، ص: ۱۴۲)

<sup>۳</sup> (وسائل الشیعه، ج ۸، ص: ۱۵۰)

قال النبي ﷺ: يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ فَرَحَاتٌ لِمُؤْمِنٍ فِي الدُّنْيَا مِنْهَا التَّهَجُّدُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ مِنْهَا التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ.<sup>۱</sup>

سه چیز موجب خوشحالی مؤمن در دنیا است: یکی از اینها نماز خواندن در آخر شب است. و سه عمل موجب کفاره گناهان آدمی می گردد: یکی از اینها نماز گزاردن در شب هنگامی که مردم در خواب باشند.

۸- تأکید پیامبر اکرم ﷺ:

يَا عَلِيُّ! عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ.<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ سه مرتبه فرمودند: علی جان! بر تو باد به نماز شب و بر نماز شب مواظبت نما.

۹- چهره را نورانی می کند:

قال الصادق عليه السلام: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَصَلَاةُ اللَّيْلِ تَطْيِبُ الرِّيحَ وَصَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ.<sup>۳</sup>

نماز شب صورت را نورانی و بوی را خوش و موجب جلب روزی است.

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۸۰، ص: ۱۲۶)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۴، ص: ۹۱)

<sup>۳</sup> (علل الشرایع، ج ۲، ص: ۳۶۳)

## ۱۵- مرض و علاج

يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْضَى وَاللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّبِيبِ  
فَصَلِّحُ الْمَرْضَى فِيمَا يَعْلَمُهُ الطَّبِيبُ.<sup>۱</sup>

بندگان خدا شما همچون مریضانند و خدای عالم چون  
طیبیب، پس صلاح مریض در عمل به گفته طیبیب است.

## داستان

پیره زنی بر اثر وزش باد به زمین افتاد و دستش شکست نزد  
سلیمان پیغمبر آمد و از باد شکایت کرد حضرت سلیمان (علیه السلام) باد را  
طلبید و شکایت پیره زن را مطرح کرد: باد گفت: خداوند مرا فرستاد  
تا کشتی‌ای را که در دریا در حال غرق شدن بود را به حرکت درآورم  
و سرنشینان آن را نجات دهم در مسیر راه به این پیره‌زن که در  
پشت بام بود برخورددم پای او لغزید و از پشت بام افتاد و دستش  
شکست.

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۴، ص: ۱۰۷)

حضرت از قضاوت در مانده بود عرض کرد خدایا چگونه قضاوت کنم؟ خداوند وحی کرد به هر اندازه که زن آسیب دیده از صاحبان کشتی بگیر و به او بده زیرا در پیشگاه من به هیچ کس نباید ستم شود.<sup>۱</sup>

کلمه ۱:

۱- مریض و طبیب:

قال علی (علیه السلام): لَا مَرَضَ أَضَنِّي مِنْ قَلَّةِ الْعَقْلِ.<sup>۲</sup>

هیچ مرضی از کم عقلی آزار دهنده تر نیست.

۲- بیماری زندانی است:

قال علی (علیه السلام): الْمَرَضُ أَحَدُ الْحَبَسَيْنِ.<sup>۳</sup>

مرضی یکی از دو نوع زندانی است.

۳- بدن ها همواره مریضند:

قال علی (علیه السلام): لَيْسَ لِلْأَجْسَاءِ نَجَاةٌ مِنَ الْأَسْقَامِ.<sup>۴</sup>

بدن انسان همواره در معرض مرض هاست.

<sup>۱</sup> (محاسن برقی، ج ۱، ص: ۳۰۲)

<sup>۲</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۹۸۷۰)

<sup>۳</sup> (غرر الحکم، ص: ۸۷)

<sup>۴</sup> (غرر الحکم، ص: ۵۵۶)

۴- مریضی را باید گفت:

قال علی (علیه السلام): مَنْ كَثُرَ الْأَطِبَاءُ مَرَضُهُ فَقَدْ خَانَ بَدَنَهُ.<sup>۱</sup>

هر کس مریضی خود را از طبیب کتمان کند به بدن خود خیانت کرده است.

۵- چند چیز کم آن هم زیاد است:

قال علی (علیه السلام): أَرْبَعُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ: النَّارُ، وَالنُّومُ، وَالْمَرَضُ، وَالْعَدَاوَةُ.<sup>۲</sup>

چهار چیز کم آن هم زیاد است: ۱. آتش ۲. دشمن ۳. مریضی ۴. فقر

۶- بیماری‌های بد:

قال علی (علیه السلام): أَلَا وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَأَشَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ  
أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ.<sup>۳</sup>

آگاه باشید جزئی از بلاء، فقر است و بدتر از فقر، مرض بدن و بدتر از آن مرض قلبی است.

۷- چه بسا بسیار سخت علاج:

قال علی (علیه السلام): كَرَمٌ مِنْ دَنِيفٍ قَدْ نَجَا وَصَحِيحٌ قَدْ هَوَى.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۴۵۰)

<sup>۲</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۷۳)

<sup>۳</sup> (تحف العقول، ص: ۲۰۳)

<sup>۴</sup> (تحف العقول، ص: ۸۴)

چقدر مرض‌های سختی که نجات و شفا پیدا می‌کند و چه تندرست‌ها که مردند!

۸- رسول خدا ﷺ طیب است:

قال علی (علیه السلام) فی ذکرِ النَّبِيِّ ﷺ: طَيْبٌ دَوَّارٌ بَطْبُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يُصْعَقُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمَى.<sup>۱</sup>

طیب دلسوزی که با طبش مرهم‌ها را به خوبی آماده و به هنگام نیاز به کار می‌گیرد. آن را به هنگام حاجت بر دل‌هایی نهد که از دیدن حقیقت نابیناست.

۹- تجربه از علم و طب برتر است:

قال علی (علیه السلام): الْمَجْرَبُ أَحْكَمُ مِنَ الطَّيِّبِ.<sup>۲</sup>

اهل تجربه از طیب برتر است.

<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، خطبه: ۱۰۸)

<sup>۲</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۱۱۲۸)



## ۱۶- امامت

يَا عَلِيُّ! الْأَيْمَّةُ مِنْ وُلْدِكَ بِهِمْ يُسْقَى أُمَّتِي الْعَيْثَ  
 وَبِهِمْ يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَبِهِمْ يُصْرَفُ الْبَلَاءُ عَنْهُمْ.<sup>۱</sup>

ای علی! ائمه از تبار و فرزندانانت کسانی اند که به واسطه  
 آنها باران رحمت خدا می آید و به واسطه آنان  
 دعای مردم مستجاب و به وسیله آنان  
 بلا از جامعه برداشته می شود.

## داستان

محمد بن سهل می گوید: با کمیت شاعر به محضر امام صادق علیه السلام  
 رسیدیم کمیت عرض کرد شعری تازه گفته ام اجازه می دهید بخوانم؟  
 حضرت فرمود: این روزها روزهای پرارزش و بزرگی است. کمیت گفت!  
 اشعار درباره شماس، فرمود: بخوان  
 سپس حضرت کسی را گفت که به خانواده حضرت هم بگویند که  
 نزدیک بیایند و بشنوند.

---

<sup>۱</sup> (أمالی طوسی، ص: ۴۴۱)

کمیت شعرش را خواهد و همه به شدت گریستند و چون به این بیت رسید که یصیب به الرامون.... امام دست‌ها را به آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا گناهان گذشته و آینده و نهان و آشکار کمیت را بیامرز و آن قدر به وی عطا کن که خشنود شود این داستان دلیل بر دو چیز است، یکی مظلومیت امامان معصوم علیهم‌السلام و دیگری عظمت مقام امامت که امام گوینده شعری که در وصف اول ولی در حقیقت در وصف امامت است را تشویق کرده برایش دعا می‌کند.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- امامت‌دارها کردند:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هشدار داد: سَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى بَضْعٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً.<sup>۲</sup>  
به زودی امت من به هفتاد و اندی فرقه، متفرق می‌شوند.

۲- امامت این است:

قال الرضا عليه السلام: إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> (ترجمه الغدير، ص: ۲۱)

<sup>۲</sup> (بحار الانوار، ج ۲، ص: ۳۱۲)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۲۰۰)

امام، عنان دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنین است.  
۳- امام وفادار مردم:

قال الصادق عليه السلام: الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ.<sup>۱</sup>

امام حجت پیش از خلق و همراه خلق و بعد از خلق هستند. (زیرا امام نماینده خداست و تا خدا هست نماینده اش نیز هست.)

۴- اگر دو نفر فقط باشند یکی امام است:

قال الصادق عليه السلام: لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ.<sup>۲</sup>

اگر در روی زمین جز دو نفر نباشند حتماً یکی از آن دو حجت خدا باشد.  
۵- زمین از امام خالی نیست:

قال الصادق عليه السلام: مَا تَبَقِيَ الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا بغيرِ إمامٍ مِنَّا نَفَرَعُ إِلَيْهِ الْأُمَّةَ.<sup>۳</sup>

زمین یک روز هم بدون وجود امام و رهبری از ما خاندان نبوت که امت در امورشان به ایشان مراجعه کنند باقی و برجا نمی ماند.

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۱۷۸)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۱۷۹)

<sup>۳</sup> (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص: ۴۲)

## ۱۷-زنا

يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ أَيَّاكُمْ وَالزَّانَا.<sup>۱</sup>

ای گروه مسلمانان، خود را از زنا دور نگهدارید.

### داستان

از جمله فعالیت‌های ابلیس فراهم آوردن زمینه زناست که از بدترین و شنیع‌ترین اعمال ناپسند می‌باشد.

یکی از علماء ربّانی که صاحب کرامت و یقین بود روزی ابلیس را دید و به او گفت: ای ملعون چرا به آدم سجده نکردی؟ ابلیس گفت به واسطه آنکه من از آتش نورانی بودم و او از خاک ظلمانی! برایم سنگین آمد او را سجده کنم.

عالم ربّانی به او گفت، ای ملعون می‌روی و مابقی را با فاحشه‌ای برای زنا در یکجا کرده و سپس در آن خانه نشسته ایشان را به این عمل زشت راهنمایی می‌کنی و از این کار شرم و حیاء و ننگ نداری ولی در موقع سجده بر حضرت آدم صفی الله که پرورده‌ی خداست ننگت آورد. ابلیس

<sup>۱</sup> (اسرار، ۳۲)

برحسب ظاهر شرمگین شد و گفت به خدا تا کنون کسی چنین مرا شرمسار نکرده است پس از نظر آن عالم ربّانی غایب شد.<sup>۱</sup>

**کلمه:**

۱- برحذر داشتن از زنا:

وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيْنَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا.<sup>۲</sup>

و نزدیک زنا نشوید که کار رسوا و بد مسیری است.

۲- مجازات دنیوی زنا:

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْسَ لَهُمَا عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۳</sup>

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت و محبت کاذب نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند!

۳- زنا مانع رزق است:

<sup>۱</sup> (لطائف الطوائف ناب، ج ۷، ص: ۱۷۱، ابلیس نامه، ص: ۳۶)

<sup>۲</sup> (السراء، ۳۲)

<sup>۳</sup> (نور، ۲)

قال الصادق عليه السلام: الذُّنُوبُ الَّتِي تَحْسِبُ الرِّزْقَ الزَّانَا.<sup>۱</sup>

گناهی که رزق را حبس می کند زناست.

۴- مایه هلاکت است:

قال رسول الله ﷺ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَرِيْبَةٍ هَلَاكًا أَظْهَرَ فِيْهِمُ الزَّانَا.<sup>۲</sup>

وقتی اراده خدا به منطقه‌ای جهت هلاک تعلق می گیرد زنا در میانسان ظهور می کند.

۵- مایه‌ی غضب خداست:

قال رسول الله ﷺ: اسْتَدْعَضَبَ اللَّهُ عَلَى الزَّانَا.<sup>۳</sup>

غضب خدا بر اهل زنا شدید است.

۶- موجب مرگ ناگهانی است:

قال رسول الله ﷺ: إِذَا كَثُرَ الزَّانَا كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ.<sup>۴</sup>

وقتی زنا زیاد شد مرگ ناگهانی هم زیاد می شود.

۷- روح ایمان می رود:

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۴۴۸)

<sup>۲</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۱۵۳)

<sup>۳</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۲۹۵)

<sup>۴</sup> (تحف العقول، ص: ۵۱)

قال رسول الله ﷺ: إِذَا زَنَى الرَّجُلُ فَأَرْقَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ.<sup>۱</sup>

وقتی کسی زنا می کند روح ایمان از آن جدا می شود.  
۸- غیور زنا نمی کند:

قال علي (عليه السلام): مَا زَنَى غَيُورٌ قَطُّ.<sup>۲</sup>

انسان غیرتمند هرگز زنا نمی کند.  
۹- باعث زلزله است:

قال الصادق (عليه السلام): إِذَا فَتَسَا الزَّنَا ظَهَرَتِ الزَّلْزَلَةُ.<sup>۳</sup>

هر گاه زنا شایع شد زلزله پیدا شود.  
۱۰- به سرش می آید:

قال علي (عليه السلام): مَنْ زَنَى زُنَى بِهِ وَلَوْ فِي الْعَقَبِ مِنْ بَعْدِهِ.<sup>۴</sup>

هر کس زنا کند با کسان وی زنا کنند هر چند در فرزندان نسل او باشد.

<sup>۱</sup> (وسائل، ج ۱۵، ص: ۳۲۳)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۳۱۱)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۴۴۸)

<sup>۴</sup> (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۲۱)

## ۱۸- مؤمنان واقعی

يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَنَسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ  
يَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّهُمُ الدُّنْيَا  
لَا تَجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ.

در آخر الزمان مردمانی از امت من می آیند که در مساجد  
حلقه می زنند و ذکرشان دنیا و حبّ دنیاست.  
با آنها همنشین می کنید و خدا را به  
اینان هیچ حاجتی نیست.

داستان

حمران بن أعین به امام باقر (علیه السلام) گفت: «قربانت کردم چقدر تعداد شیعیان اندک اند که اگر در خوردن گوسفندی شرکت کنیم، نمی توانیم آن را تمام کنیم.» آن حضرت فرمود: «از این عجیب تر بگویم، مهاجران و انصار پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پراکنده شدند.» سپس امام سه انگشت مبارکشان را نشان دادند و فرمودند: «مگر سه تن، سلمان و ابوذر و مقداد.» پرسیدم: «عمار یاسر چگونه بود؟» فرمود: «خدا عمار را



رحمت کند. او در جنگ صفین در رکاب علی (علیه السلام) شهید شد». پیش خود گفتم: «مقامی بالاتر از شهادت نیست پس عمار نیز در ردیف آن سه است».

امام نگاهی به من کردند و فرمودند:

«لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّهُ مِثْلُ الثَّلَاثَةِ، هِيَ هَاتِ هِيَ هَاتِ، گویا فکر می کنی او

مثل آن سه نفر است؟ هرگز هرگز».<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- مرگ بی امام جاهلیتی است:

قال رسول الله ﷺ: مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وُلْدِي مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً<sup>۲</sup>

هر کس بمیرد و امام نداشته باشد به مرگ مردم جاهلیت مرده است.

۲- باید امام زنده داشت:

قال الصادق (علیه السلام): مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَتَّى ظَاهِرُ مَاتَ مِيتَةً

جَاهِلِيَّةً قَالَ قُلْتُ إِمَامٌ حَتَّى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِمَامٌ حَتَّى<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> (داستان‌های روایی، ص: ۱۷۴)

<sup>۲</sup> (بحار الانوار، ج ۲۳، ص: ۸۱)

<sup>۳</sup> (بحار الانوار، ج ۲۳، ص: ۹۲)

ابوجارو گفت: شنیدم امام ششم علیه السلام فرمود هر کس بمیرد و او را امام و رهبر زنده و ظاهر نباشد به مرگ جاهلیت مرده است. گفتم فدایت شوم امام زنده؟ فرمود: آری امام زنده.

۳- به ظاهر مؤمن:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: يَا أَيُّهَا النَّاسُ زَمَانٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْآدَمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ.<sup>۱</sup>

زمانی آید که ظاهر مردم ظاهر آدمیانست و دل هایشان دل های شیطانی.

۴- دنیای مؤمن:

قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ.<sup>۲</sup>

دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

۵- خصلت های لاینفک:

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَا يَنْفَكُ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ وَ شَيْطَانٍ يُغْوِيهِ وَ مُنَافِقٍ يَقْفُو أَثَرَهُ وَ مُؤْمِنٍ يَحْسُدُهُ.<sup>۳</sup>

مؤمن از چهار خصلت جدا نمی شود از همسایه که آزارش دهد و شیطانی که در صد گمراهی اوست و منافقی که در قفای او باشد و مؤمنی که حسد او برد.

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۲۲، ص: ۴۵۳)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۲۵۰)

<sup>۳</sup> (خصال، ج ۱، ص: ۲۲۹)

## ۱۹- حج

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نُرْهَةً

وَحَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً وَحَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً.<sup>۱</sup>

زمانی می آید که حج پادشاهان برای گردش و تفریح و حج ثروتمندان برای معامله و تجارت و حج مساکین به خاطر نیاز و درخواست کردن است.

## داستان

امام صادق علیه السلام کعبه را طواف می کرد ابوبصیر که از شاگردان آن بزرگوار بود پرسید آیا خداوند این جمعیت بسیاری که در حال طوافند را می آمرزد؟ امام فرمود: ای ابابصیر بسیاری از اینها ظاهرشان انسان است و در واقع چیز دیگری هستند.

امام خواست باطن آنان را به او نشان دهد لذا دستی بر چشمان ابوبصیر کشید و کلماتی بر زبان جاری کرد ابوبصیر بسیاری از آن

<sup>۱</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص: ۶۰)

جمعیت را به صورت میمون و خوک دید و واقعاً ترسید امام بار دیگر دستی بر چشمانش کشید و او به حال عادی برگشت. نگاه فرمود: نگران نباش: شما اهل بهشت و در بهشت شادمان هستید و حتی یک نفر از شماها جهنمی نیستند.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- یک درهم معادل هزار درهم:

قال علی (علیه السلام): نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْحَجِّ تَعْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ.<sup>۲</sup>

ثواب یک درهم هزینه کردن در حج با هزار درهم برابری می کند.

۲- تأکید علی (علیه السلام):

اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَحْلُوهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ تَتَاطَرُوا.<sup>۳</sup>

خدا را خدا را در حق خانه پروردگارتان، تا زنده‌اید آن را وامگذارید. که اگر رها شود از عذاب الهی مهلت داده نخواهد شد.

۳- حج میهمان است و پذیرائی اش امرزش:

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۶۷ ص: ۷۱)

<sup>۲</sup> (خصال، ج ۲، ص: ۶۲۸)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، نامه: ۴۷)

قال علی علیه السلام: الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَهِبَ اللَّهُ وَجْهَهُ بِالْمَغْفِرَةِ<sup>۱</sup>.

زائر حج و عمره میهمان خداست و خداوند آمرزش خود را بی دریغ به او ارزانی می‌دارد.

۴- حجّ مایه آرامش است:

قال الباقر علیه السلام: الْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ<sup>۲</sup>.

حجّ آرامش بخش دل هاست.

۵- مسعی تکبرها را می‌ریزد:

قال الصادق علیه السلام: مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يُذِلُّ فِيهَا

كُلُّ جَبَّارٍ<sup>۳</sup>.

هیچ جائی نزد خداوند تعالی محبوب‌تر از مسعی نیست زیرا که هر گردنکش و متکبری در آنجا خوار و ذلیل شود.

۶- حجّ، فقر را از بین می‌برد:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الْحَجُّ يَنْفِي الْفَقْرَ<sup>۴</sup>.

حجّ، فقر و تهیدستی را از بین می‌برد.

<sup>۱</sup> (خصال، ج ۲، ص: ۶۳۵)

<sup>۲</sup> (امالی طوسی ص: ۲۹۶)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۴، ص: ۴۳۴)

<sup>۴</sup> (تحف العقول، ص: ۷)

۷- حج و ولایت:

قال الباقر عليه السلام: تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ<sup>۱</sup>.

تمامیت حجّ با ملاقات امام است.

۸- حجّ با مال حلال:

قال المعصوم عليه السلام: مَنْ حَجَّ بِمَالٍ حَرَامٍ نُودِيَ عِنْدَ التَّلْبِيَةِ لَا لَبَّيْكَ

عَبْدِي وَلَا سَعْدَيْكَ<sup>۲</sup>.

کسی که با مالی حرام حجّ بجا آورد، به هنگام گفتن لبّیک او را ندا می‌دهند که: نه لبّیک- ای بنده من- و نه سعدیک.

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۴، ص: ۵۴۹)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص: ۱۴۴)

۲۰- علماء

سَيَاتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ  
كَمَا يَفِرُّ الْغَنَمُ عَنِ الذَّبِّ<sup>۱</sup>.

در آخر الزمان مردمی می آیند که از علماء  
فرار می کنند همچنانکه گوسفند از گرگ!

داستان

حجت الاسلام قرائتی در بیان خاطرات خود فرمودند: «خدا شهید مطهری را رحمت کند. ایشان به دلیل شناختی که از بنده داشتند و برنامه های مرا دیده بودند، پیشنهاد کردند که برای اجرای برنامه های تلویزیونی به صدا و سیما بروم. به سراغ رئیس وقت صدا و سیما رفتم. ایشان گفت: تلویزیون جای آخوند نیست، اینجا که بازی نیست، مسئله هنر است. گفتم: احتمال نمی دهی که من هم معلّم هنرمندی باشم؟ مرا به اتاقی بردند که عده ای از هنرمندان نشسته بودند گفتند: حرف حساب تو چیست؟ گفتم: من یک معلّم هستم و می خواهم درس بدهم از این

<sup>۱</sup> (جامع الأخبار شعیری، ص: ۱۳۰)

لحظه تا دو ساعت می توانم با حرف حق شما را چنان بخندانم که نتوانید لبهای خود را جمع کنید. ساعت گذاشتند و من برنامه بسیار شادی را اجرا کردم و بالاخره ورود من به تلویزیون مورد قبول آنها واقع شد.»<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- علم غیر مطلق است:

قال رسول الله ﷺ: الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُفْلُهُ وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُفْلُهُ.<sup>۲</sup>

علم؛ سر کرده همه نیکی هاست و جهل؛ سر کرده همه بدی ها.

۲- برتری عالم:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى

الْكَوَاكِبِ.<sup>۳</sup>

برتری عالم بر عابد همانند برتری خورشید بر ستارگان است.

۳- برتری بر عابد:

قال الباقر عليه السلام: عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> (کتاب خاطرات حجت الاسلام و المسلمین قرائتی)

<sup>۲</sup> (بحار الانوار، ج ۷۷، ص: ۱۷۵)

<sup>۳</sup> (بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۸)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۳۳)



عالمی که دیگران از دانش او بهره گیرند، برتر و بالاتر از هفتاد هزار عابد است.

۴- جایگاه علماء:

قال الباقر عليه السلام: إِنَّ مَعْلَمَ الْخَيْرِ لَتَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَحَيْثَانُ الْبَحْرِ وَكُلُّ صَغِيرَةٍ وَكَبِيرَةٍ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَسَمَائِهِ.<sup>۱</sup>

کسی که به دیگران خوبی می آموزد، همه جنبندگان زمین و ماهیان دریاها و هر چیز کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست برای او طلب آمرزش می کنند.

۶- عمل بی علم گمراهی است:

قال علي عليه السلام: الْعِلْمُ بِلاَ عَمَلٍ وَبِالْأَعْمَالِ بِلاَ عِلْمٍ ضَلَالٌ.<sup>۲</sup>  
علم بی عمل وبال است و عمل بی علم گمراهی است.

۷- علم ادیان و اجدان:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَعِلْمُ الْأَبْدَانِ.<sup>۳</sup>  
علم دو تا است: علم ادیان و علم ابدان.

<sup>۱</sup> (ثواب الاعمال، ص: ۱۳۱)

<sup>۲</sup> (تصنيف غررالحكم، حديث: ۱۶۶)

<sup>۳</sup> (تصنيف غررالحكم، حديث: ۶۸۹)

<sup>۴</sup> (بحار الانوار، ج ۱، ص: ۲۲۰)

۸- مرگ عالم فاجعه است:

قال رسول الله ﷺ: إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَمَّ فِي الْإِسْلَامِ نَائِمَةٌ لَا تُسَدُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

مرگ عالم، مصیبتی جبران ناپذیر و رخنه‌ای بسته ناشدنی در اسلام افتد که تا قیامت مسدود نشود.

۹- از زنده‌ها می‌ترسند:

قال رسول الله ﷺ: طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ.<sup>۲</sup>  
جوایب علم در میان مردمان نادان همچون شخص زنده است در میان مردگان.

۱۰- باید خادم علماء بود:

قال علي (عليه السلام): إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا.<sup>۳</sup>  
هرگاه دانشمندی را دیدی خدمت او کن.

<sup>۱</sup> (میزان الحکمه، ص: ۸۷۴)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۱، ص: ۱۸۱)

<sup>۳</sup> (غرر الحکم، ص: ۲۸۴)

## ۲۱- نیت

يُبْعَثُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نِيَّاتِهِمْ<sup>۱</sup>.

روز قیامت همه مردم با نیت‌هایشان محشور می‌شوند.

## داستان

نیت خالص یعنی خوش‌بینی به خدا هم عزت و هم رزق و روزی را در پی دارد.

عَلَّامَه امینی این مرد مخلص نستوه گفت برای تحصیل به نجف اشرف رفتم و تصمیم داشتم که از وجوهات و سهم امام استفاده نکنم زمانی که به نجف رسیدم مقداری پول داشتم بعداً تمام شد، در نجف رسم بر این بود که طلبه‌ای که از هر شهری به آنجا می‌آمد نماینده مراجع در آن جا نام او را می‌نوشت تا اینکه وقتی مراجع پولی می‌فرستند به صورت تقسیمی به آن طلبه نیز سهمی بدهند. آن نماینده مراجع نزد عَلَّامَه امینی آمد و نام و مشخصات خواست و گفت شرطش این است که از یک مرجعی باید اجازه بگیرد که آیا درس شما به جایی رسیده است که از وجوهات بتوانید استفاده کنید؟!

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۳۲۰۷)

من که از این موضوع ناراحت شدم به حرم حضرت مشرف شدم و گفتم آقا من آمدم اینجا درس بخوانم مرا محتاج این و آن نکن خودت مواظبم باش.

ایشان می گوید از آن لحظه تا وقتی که از نجف بیرون رفتم محتاج وجوهات شرعی نشدم.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- پایه و عمل، نیت است:

قال علی علیه السلام: النِّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ.<sup>۲</sup>

نیت شالوده و اساس کار است.

۲- شرط قبولی اعمال است:

قال السَّجَّاد علیه السلام: لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ.<sup>۳</sup>

عمل جز با نیت تمام نیست.

۳- نیت در روز قیامت:

<sup>۱</sup> (قطره ای از دریا، ص: ۳۰)

<sup>۲</sup> (غرر الحکم، ص: ۵۶)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۸، ص: ۲۳۴)

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. <sup>۱</sup>  
 خداوند روز قیامت مردم را مطابق نیت‌هایشان محشور می‌کند.  
 ۴- نیت بد، مرض است:

قال علی عليه السلام: سُوءُ النِّيَّةِ دَاءٌ دَفِينٌ. <sup>۲</sup>  
 بدنیتی دردی نهفته و پنهان است.

۵- نیت خوب و رزق:

قال الصادق عليه السلام: مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي رِزْقِهِ. <sup>۳</sup>  
 هر کس نیتش نیکو شود خداوند بر روزی‌اش بیفزاید.  
 ۶- زیبایی درون است:

قال علی عليه السلام: جَمِيلُ النِّيَّةِ سَبَبٌ لِبُلُوغِ الْأُمْنِيَّةِ. <sup>۴</sup>  
 نیت نیکو سبب رسیدن به آرمان و آرزوست.

۷- نیت از عمل مهمتر است:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ أَتَمُّ مِنْ عَمَلِهِ وَكَذَلِكَ نِيَّةُ الْفَاجِرِ. <sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱، ص: ۴۸)

<sup>۲</sup> (غررالحکم، ص: ۳۹۹)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۱۰۵)

<sup>۴</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۴۲۹۲)

<sup>۵</sup> (امالی طوسی، ص: ۴۵۴)

نیت مؤمن رساننده تر از عمل اوست و همچنین نیت فاجر.  
۸- عطیه در مقابل نیت:

قال علی (علیه السلام): عَلَى قَدَرِ النِّيَّةِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ.<sup>۱</sup>

عطا کردن خداوند به هر کسی به اندازه نیت اوست. (هرگاه خداوند در کسی حسن نیتی ببیند عطایش کند)

---

<sup>۱</sup> (میزان الحکمه، ص: ۱۲۶۰)

## ۲۲- دین

يَبِيعُ أَقْوَامٌ دِينَهُمْ بَعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلٌ.<sup>۱</sup>

عده‌ای دین را به متاع ناچیز دنیا می‌فروشند.

داستان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله روی زمین مربعی کشید نقطه‌ای وسط آن گذاشت و خط‌های زیادی در اطرافش به مرکز نقطه وصل کرد و آنگاه یک خط از نقطه‌ی داخل مربع به طرف خارج رسم کرد و انتهای آن را نامحدود نمود، سپس فرمود: می‌دانید این چه شکلی است؟ مردم گفتند خدا و رسولش بهتر می‌دانند.

فرمود: این چهارگوش عمر انسان است که محدود و معین است. نقطه وسط انسان است و این خط‌های کوچک که از اطراف به طرف انسان روی آورده‌اند امراض و بلاهائی است که در مدّت عمر از هر طرف به او حمله می‌کنند، اگر انسان از دست یکی جان به در برد بدست دیگر می‌افتد و بالاخره عمرش به وسیله یکی از اینها خاتمه می‌یابد، آن خط

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۲۴۱۹)

هم که از نقطه وسط به طور نامحدود به خارج می‌رود آرزوی انسان است که از مقدار عمرش بسیار تجاوز می‌کند و انتهایش معلوم نیست.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- دین داری دقیق:

قال علی (علیه السلام): مَنْ دَقَّ فِي الدِّينِ نَظْرُهُ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَظْرُهُ.<sup>۲</sup>

هر که در دینداری دقت و ریزینی به خرج دهد و دقیق باشد روز قیامت مقام بلندی یابد.

۲- زندگی بدون دین زندگی نیست:

قال علی (علیه السلام): لَا حَيَاةَ إِلَّا بِالدِّينِ وَلَا مَوْتَ إِلَّا بِجُودِ الْيَقِينِ.<sup>۳</sup>

زندگی وجود ندارد مگر در سایه دین و مرگی نیست مگر به سبب انکار یقین.

۳- دین نگهدارنده است:

قال علی (علیه السلام): الدِّينُ يُعَصِّمُ.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> (کشکول شیخ بهائی، ص: ۳۳)

<sup>۲</sup> (غررالحکم، ص: ۶۳۹)

<sup>۳</sup> (بحار الانوار، ج ۷۴، ص: ۴۱۸)

<sup>۴</sup> (غررالحکم، ص: ۱۷)



دین مصونیت می‌بخشد.

۴- دین تکیه‌گاه محکمی است:

قال علی (علیه السلام): الدِّينُ أَقْوَى عِمَادٍ.<sup>۱</sup>

دین محکم‌ترین تکیه‌گاه است.

۵- دنیای دیندار تأمین است:

قال علی (علیه السلام): مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَّاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ.<sup>۲</sup>

هر کس برای دینش کار کند خداوند کار دنیایش را تأمین می‌کند.

۶- اولی دین، شناخت است:

قال علی (علیه السلام): أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ.<sup>۳</sup>

سرآغاز دینداری شناخت خداست.

۷- دین و یقین:

قال علی (علیه السلام): رَأْسُ الدِّينِ صِحَّةُ الْيَقِينِ.<sup>۴</sup>

یقین درست در رأس دین است.

۸- بزرگترین مصیبت بی‌دینی است:

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۳۵)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۴۳۲)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، خطبه: ۱)

<sup>۴</sup> (تحف العقول، ص: ۸۶)

قيل لعلی (علیه السلام): فَأَيُّ الْمَصَائِبِ أَشَدُّ؟ قَالَ: الْمُصِيبَةُ فِي الدِّينِ.<sup>۱</sup>

از امام علی (علیه السلام) سؤال کردند کدام مصیبت سخت تر است فرمودند:  
مصیبت در دین.

۹- دین و عقل مکمل یکدیگرند:

قال علی (علیه السلام): الدِّينُ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْعَقْلُ.<sup>۲</sup>

تا کسی عقل و خرد نداشته باشد دینداری را بر وجهی که باید نتواند کرد.  
۱۰- عزت بی دین ذلت است:

قال علی (علیه السلام): كُلُّ عَزْلٍ لَا يُؤَيِّدُهُ دِينَ مَذَلَّةٌ.<sup>۳</sup>

هر عزتی که دین آن را تأیید نکند مذلت و خواری است.

<sup>۱</sup> (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۸۲)

<sup>۲</sup> (غررالحکم، ص: ۷۲)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۵۰۸)

## ۲۳- نفاق

يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذُو الْوَجْهَيْنِ دَالِعًا  
لِسَانُهُ فِي قَفَاهُ وَآخِرُ مَنْ قُدَّامَهُ.<sup>۱</sup>

شخص دو رو در روز رستاخیز در حالی محشور می شود که یک زبان از پشت سرش و زبان دیگر از پیش رویش آویخته شده است.

## داستان

معاویه به عقیل بن ابیطالب گفت: علی حقّ برادری تو را اداء نکرد و من حقّ خویشاوندی با تو را رعایت کردم از تو به هیچ وجه خشنود نخواهم شد مگر اینکه بالای منبر بروی و علی را لعنت کنی! گفت: این کار را می‌کنم پس به منبر رفت و پس از ثنای خداوند گفت: ابن ابوسفیان به من دستور داد علی بن ابیطالب را لعنت کنم به همین جهت او را لعنت کنید، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد و از منبر پایین آمد! معاویه به او گفت تو مشخص نکردی کدام

<sup>۱</sup> (خصال، ج ۱، ص: ۳۸)

یک را لعنت کردی، گفت: به خدا قسم حاضر نیستم یک کلمه کم یا زیاد کنم و سخن بستگی دارد به نیت سخنگو.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- دروئی برادر شرک:

قال علی عليه السلام: التَّفَاقُ أَخُو الشَّرْكِ.<sup>۲</sup>

نفاق برادر شرک است.

۲- نفاق از ذلت است:

قال علی عليه السلام: نِفَاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ.<sup>۳</sup>

نفاق مرد از خواری و ذلتی است که در نفس خود می‌یابد.

۴- منافق و گریه دروغی:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمُنَافِقُ يَمْلِكُ عَيْنَيْهِ بِكَيْ كَمَا يَشَاءُ.<sup>۴</sup>

منافق چشمانش در اختیار اوست هرگونه بخواهد گریه می‌کند.

۵- ظاهر و باطن ناموزون:

<sup>۱</sup> (داستان‌های الغدیر، ص: ۴۴)

<sup>۲</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۹۵۷)

<sup>۳</sup> (غرر الحکم، ص: ۷۲۲)

<sup>۴</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۳۱۱۹)

قال رسول الله ﷺ: مَنْ خَالَفَتْ سِرِّيَّتَهُ عَلَانِيَتَهُ فَهُوَ مُنَافِقٌ كَأَنَّا مَنْ كَانَ.<sup>۱</sup>  
کسی که باطنش با ظاهرش ناسازگار است همو منافق است هر که  
می خواهد باشد.

۶- نشان هر چه خوبان همه دارند:

قال رسول الله ﷺ: الْمُنَافِقُ مَنْ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا فَعَلَ أَفْتَى وَإِذَا قَالَ  
كَذَبَ وَإِذَا أُتْمِنَ حَانَ وَإِذَا رُزِقَ طَاشَ وَإِذَا مَنَعَ عَاشَ.<sup>۲</sup>

منافق هرگاه وعده دهد خلف وعده می کند هر گاه کار می کند آن را در  
بوق و کرنا می کند و هرگاه سخن بگوید دروغ می گوید هرگاه امانتی به  
او سپارند خیانت ورزد، هرگاه روزی داده شود سبک سری کند و هرگاه  
روزی داده نشود (و تنگ دست گردد) به زندگی روی آورد.

۷- درمان درد نفاق:

قال رسول الله ﷺ: الصَّلَاةُ عَلَى وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ.<sup>۳</sup>  
صلوات فرستادن بر من و اهل بیتم نفاق را از بین می برد.

<sup>۱</sup> (مصباح الشریعه، ص: ۱۴۶)

<sup>۲</sup> (بحار الانوار، ج ۶۹، ص: ۲۰۷)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۴۹۲)

## ۲۴- تکبر

يُحَسِّرُ الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْثَالَ الذَّرِّ فِي

صُورَةِ الرَّجَالِ يَغْشَاهُمُ الذُّلُّ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ.<sup>۱</sup>

متکبران در روز قیامت مانند مورچه‌ها در شمائل

آدم محشور می‌شوند در حالی که ذلت از

هر مکانی آن‌ها را احاطه می‌کند.

### داستان

حکم بن ابی العاص بن امیه پدر مردان حکم که از چهره‌های متکبر و معاند دوران اوّل اسلام بود و از خاندانی خائن و بی‌بهره از عقل و درایت بود.

ابن حکم پشت سر پیغمبر می‌نشست و هنگامی که آن حضرت سخن می‌گفت او روی خود را به صورت استهزاء دگرگون می‌کرد و به اصطلاح شکلک در می‌آورد و روزی پیامبر ﷺ او را به همان شکل دید و به او یک جمله فرمود: چنین باش! تا هنگام مرگ صورت او به همان شکل

<sup>۱</sup> (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص: ۳۱)

ماند. و بنا به روایت تا دو ماه مبتلا به تشنج و اضطراب شد و پس از برطرف شدن اضطراب و تشنج به مرض صرع گرفتار شد سپس مبتلا به رعشه شد و کم کم گوشت بدنش از بین رفت و مُرد.<sup>۱</sup>

کتاب:

۱- کبریائی هر کسی را سزا نیست:

قال الصادق عليه السلام: الكِبْرُ دَاءٌ اللهُ فَمَنْ نَازَعَ اللهُ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ أَكَبَهُ اللهُ فِي

النَّارِ.<sup>۲</sup>

بزرگی ردای خداست پس هر که بر سر چیزی از آن با خدا کشمکش کند خدا او را در آتش سرنگون سازد.

۲- تکبر باعث کم شدن عقل می شود:

قال الباقر عليه السلام: مَا دَخَلَ قَلْبَ امْرِئٍ شَيْءٌ مِنَ الْكِبْرِ إِلَّا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ

مِثْلَ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ.

هیچ مقداری از تکبر به دل آدمی راه نیابد مگر اینکه به همان اندازه کم یا زیاد از عقلش کاسته می شود.

<sup>۱</sup> (داستان های الغدير، ص: ۱۰)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۳۱۰)

۳- راه رسیدن به بزرگواری:

قال الصادق عليه السلام: مَنْ بَرِيَ مِنَ الْكِبْرِ نَالَ الْكِرَامَةَ.<sup>۱</sup>

هر کس از تکبر پاک شود به بزرگواری دست یابد.

۴- تکبر نفرت می آورد:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَمْتُ النَّاسَ الْمُتَكَبِّرَ.<sup>۲</sup>

منفورتترین مردمان؛ شخص متکبر است.

۵- تکبر مربوط به افراد پست است:

قال علي عليه السلام: مَا تَكَبَّرَ إِلَّا وَضِيعٌ.<sup>۳</sup>

تکبر نکند مگر کسی که پست است.

۶- نتیجه تکبر خواری است:

قال علي عليه السلام: مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ.<sup>۴</sup>

هر که بر مردم بزرگی فروشد ذلیل می شود.

<sup>۱</sup> (تحف العقول، ص: ۳۱۶)

<sup>۲</sup> (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۹۵)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۶۸۴)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۸، ص: ۱۹)



۲۵- یقین

الْيَقِينُ الْإِيمَانُ كُلُّهُ.<sup>۱</sup>

یقین به خداوند، همه ایمان است.

داستان

وقتی که آیه ششم سوره مبارکه تحریم نازل شد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و اهل خویش را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ آتشین است نگهدارید.

یکی از مردان مسلمان نشست و شروع به گریه کرد و گفت: من از نگهداری خودم عاجز و ناتوانم با نزول این آیه به نگهداری از اهل و بستگانم هم موظف شده‌ام! پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: همان گونه که خودت را امر به نیکی و اجتناب از دوری‌ها می‌کنی آنها را به نیکی‌ها و ترک بدی‌ها امر کن.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۱۸۵۹)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص: ۱۴۸)

## کلمه:

- ۱- بهترین موهبت قلب یقین است:  
قال رسول الله ﷺ: خَيْرُ مَا أَلْتَمَى فِي الْقَلْبِ الْيَقِينُ.<sup>۱</sup>  
بهترین چیزی که در دل افکنده شده یقین است.
- ۲- راهی به مقصود:  
قال علي (عليه السلام): بِالْيَقِينِ تُدْرِكُ الْعَايَةَ الْقُصْوَى.<sup>۲</sup>  
با یقین است که هدف نهائی بدست می آید.
- ۳- خواب اهل یقین:  
قال علي (عليه السلام): نَوْمٌ عَلَى يَقِينٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ.  
خوابی که همراه یقین باشد بهتر از نمازی است که همراه شک باشد.<sup>۳</sup>
- ۴- از ضعف یقین اتمم می ترسم:  
قال رسول الله ﷺ: مَا أَحَافُ عَلَى أُمَّتِي إِلَّا ضَعْفُ الْيَقِينِ.<sup>۴</sup>  
من برای امت خودم از چیزی جز سستی یقین نمی ترسم.

<sup>۱</sup> (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۷۶)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، خطبه: ۱۵۷)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۹۷)

<sup>۴</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۲۶۱۰)

۵- خلاصی، در یقین و باور است:

قال علی علیه السلام: غَايَةُ الْيَقِينِ الْإِحْلَاصُ. غَايَةُ الْإِحْلَاصِ الْخَلَّاصُ.<sup>۱</sup>

غایت یقین اخلاص و غایت اخلاص؛ خلاص و رهائی است.

۶- صبر نتیجه یقین است:

قال الصادق علیه السلام: الصَّبْرُ مِنَ الْيَقِينِ.<sup>۲</sup>

صبر کردن نتیجه یقین است.

۷- توکل میوه درخت یقین است:

قال علی علیه السلام: التَّوَكُّلُ مِنْ قُوَّةِ الْيَقِينِ.<sup>۳</sup>

توکل ناشی از نیروی یقین است.

۸- مقام رضا به خاطر یقین است:

قال الصادق علیه السلام: الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ.<sup>۴</sup>

رضایت به قضای ناخوشایند از بالاترین درجات یقین است.

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۴۶۸)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص: ۱۸۲)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۴۳)

<sup>۴</sup> (تحف العقول، ص: ۲۷۸)

۲۶- قسم

يَمِينُ الْكَاذِبَةُ مَنْفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلْكَسْبِ<sup>۱</sup>.

سوگند دروغ تلف کننده مالی، نابود کننده کسب است.

داستان

قسم خوردن برای مطالبی که راست است مکروه و ناپسند است تا چه رسد به چیزی که دروغ باشد.

منصور دوانقی آن جلاّد معروف از خادمش ربیع خواست امام صادق (علیه السلام) را حاضر کند، ربیع فرمان را اجراء و امام را نزد خلیفه آورد؛ وقتی منصور امام را دید گفت: خدا مرا بکشد اگر تو را نکشم! در مورد سلطنت من اشکال تراشی می کنی! و خواهی غائله ای بپا کنی؟ امام فرمود: من چنین کاری نکردم و کسی که این خبر را به تو داده دروغگوست... منصور نام خبرچینی را گفت. امام فرمود: او را به اینجا بیاورد تا موضوع روشن شود به دستور منصور او را حاضر کردند وقتی آمد همان حرف های منصور را تأیید کرد. امام فرمود: او را به من واگذار تا سوگندش بدهم، منصور اجازه داد، امام

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه: ح: ۳۲۲۶)

فرمود بگو: برئت الله و قوته و التجأت الی حولی و قوتی لقد فعل کذا و کذا  
جعفر....

او اول از این چنین سوگندی امتناع کرد ولی وقتی با اصرار امام روبرو  
شد سوگند را به زبان آورد و همگان دیدند که پایش فلج شد مأمون  
هم گفت: این ملعون را از اینجا ببرید!!<sup>۱</sup>

**کلمه:**

۱- خدا را دستاویز سوگندتان نکنید:

قال الصادق (عليه السلام): لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَلَا كَاذِبِينَ فَإِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ  
«وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ».<sup>۲</sup>

خدا را دستاویز قسم‌های خود قرار ندهید و راست یا دروغ به خدا  
قسم نخورید.

۲- قسم خوردن و دوری از رحمت من:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا أُبِيلُ رَحْمَتِي مَنْ تَعَرَّضَ لِلْأَيْمَانِ الْكَاذِبَةِ.<sup>۳</sup>

من رحمت خود را شامل حال کسی که سوگند دروغ بخورد نمی‌گردانم.

<sup>۱</sup> (اعلام الوری، ص: ۲۷۰)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۷، ص: ۴۳۴- آیه: سوره بقره، ۲۲۴)

<sup>۳</sup> (ثواب الأعمال، ص: ۲۲۱)

۳- قسم دروغ بلای خانمان سوز:

قال رسول الله ﷺ: **إِيَّاكُمْ وَالْيَمِينَ الْفَاجِرَةَ فَإِنَّهَا تَدْعُ الدِّيَارَ بِبَلَاءٍ مِنْ أَهْلِهَا** <sup>۱</sup>.

از سوگند دروغ بپرهیز که آن خانه‌ها را از ساکنانش خالی می‌کند.

۴- سوگند دروغ مبارزه با خداست:

قال الصادق عليه السلام: **مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ كَاذِبٌ، فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ**

**عَزَّ وَجَلَّ** <sup>۲</sup>.

هر که سوگندی خورد و بداند که دروغ می‌گوید به جنگ خداوند رفته است.

۵- سوگند اجباری فقر می‌آورد:

قال الصادق عليه السلام: **الْيَمِينُ الصَّبْرُ الْكَاذِبَةُ تُورِثُ الْعَقِبَ الْفَقْرَ** <sup>۳</sup>.

سوگند اجباری دروغ، برای بازماندگان فقر به بار می‌آورد.

<sup>۱</sup> (ثواب الاعمال، ص: ۲۲۶)

<sup>۲</sup> (ثواب الاعمال، ص: ۲۲۶)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۷، ص: ۴۳۶)

## ۲۷- سبک‌سری ممنوع

يُعْجَبُ رَبُّكَ مِنَ الشَّابِّ لَيْسَتْ لَهُ صَبَوَةٌ<sup>۱</sup>.

خداوند جوانی را که نادانی جوانی نمی‌کند

بدیده تحسین می‌نگرد.

### داستان

شوخی و مزاح از نظر گاه اسلام ممنوع نیست فقط اگر به استهزاء و مسخره کردن یا دروغ برگردد گناه است.

يعمان بن عمر و انصاری از صحابه قدیمی پیامبر ﷺ، مردی شوخ طبع بود، روزی عربی از عشایر به مدینه آمده بود و شتر خود را پشت مسجد خوابانید و به حضور پیامبر ﷺ رسید. بعضی از صحابه به نعمان گفتند این شتر را بکش تا گوشتش تقسیم کنیم بعداً پیامبر قیمتش را به اعرابی خواهد داد، نعمان هم شتر را کشت وقتی صاحبش آمد فریاد برآورد، نعمان فرار کرد.

رسول خدا ﷺ از مسجد بیرون آمد و شتر کشته شده را دید. فهمید این کار نعمان بوده، کسی را فرستاد او را بیاورند او که در انبار علوفه پنهان شده

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۳۲۱۵)

بود را با سر و صورتی پر از علوفه خشک به محضر رسول خدا ﷺ آوردند. حضرت فرمود: نعمان این چه کاری بود که انجام دادی؟ عرض کرد: یا رسول الله همین کسانی که مرا پیدا کردند مرا وادار کردند! حضرت تبسمی کرد و علوفه‌ها را از صورت و محاسنش پاک کرد و قیمت شتر را هم به مرد اعرابی پرداخت کرد.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- شوخی و خواری:

قال علی (علیه السلام): مَنْ كَثُرَ مَزَاحُهُ اسْتُخِفَّ بِهِ.<sup>۲</sup>

کسی که زیاد شوخی کند سبک گردد.

۲- هیبت را از بین می‌رود:

قال علی (علیه السلام): كَثْرَةُ الْمِرَاحِ تُسْقِطُ الْهَيْبَةَ.<sup>۳</sup>

شوخی زیاد شکوه و هیبت انسان را ساقط می‌کند.

۳- بذر دشمنی است:

<sup>۱</sup> (داستان‌های روایی، ص: ۴۹۴)

<sup>۲</sup> (تحف العقول، ص: ۹۶)

<sup>۳</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۶۷۹۴)



قال علی عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ بَذْرٌ وَيَذْرُ الْعِدَاوَةَ الْمِرَاحُ.<sup>۱</sup>

برای هر چیزی بذری است و بذر دشمنی، شوخی کردن است.

۴- جوانی و سبک سری:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الشَّبَابُ شُعْبَةٌ مِنَ الْجُنُونِ.<sup>۲</sup>

جوانی، شاخه‌ای از دیوانگی است (نوعاً سبک‌سری‌ها در این دوران از عمر است).

۵- عصبانیت و سبک‌سری:

قال علی عليه السلام: الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنَّ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكِمٌ.<sup>۳</sup>

عصبانیت نوعی دیوانی است زیرا پشیمانی به دنبال دارد و اگر پشیمان نشود پس دیوانگی‌اش محکم شده است.

۶- جواب بی جا و سبک‌سری:

قال الصادق عليه السلام: إِنْ مِنْ أَجَابَ فِي كُلِّ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ لَمْ يَجُنْ.<sup>۴</sup>

هر کسی که به هر سئوالی که از او می‌کنند جواب دهد دیوانه است.

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۵۴۳)

<sup>۲</sup> (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۳۷۷)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۲۵۵)

<sup>۴</sup> (بحار الأنوار، ج ۲، ص: ۱۱۷)

۷- متکبر و سبک‌سری:

مَرَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَجُلٍ مَضْرُوعٍ... إِنَّ الْمَجْنُونَ حَقَّ الْمَجْنُونِ الْمُتَبَخَّرِ  
فِي مَشْيِهِ.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ بر مردی مبتلا به صرع گذشت... سپس فرمود: دیوانه  
حقیقی کسی است که با تکبر راه برود.

---

<sup>۱</sup> (معانی الأخبار، ص: ۲۳۷)

## ۲۸- سهولت

يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا.<sup>۱</sup>

آسان بگیرید، سخت مگیرید.

داستان

روزی صاحب بن عبّاد نوشیدنی خواست قدحی پر آوردند چون خواست بنوشد برخی از دوستان نزدیکش گفتند مخور که مسموم است هنوز فردی که آب آورده بود در آنجا حاضر بود صاحب بن عبّاد به دوستش گفت گواه سخت چیست؟

گفت: آزمایش کن، به همین غلامی که آب آورده است بگو خودش بنوشد، صاحب فرمود: این کار را نه برای دیگران تجویز می‌کنم و نه حلال می‌دانم. گفت: به مرغی بنوشان فرمود: هلاک حیوان را هم جایز نمی‌دانم. قدح را برگرداند و دستور داد آب را بریزند و به غلام فرمود پی کار خود برو و دیگر به این خانه نیا.

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۳۱۱۳)

و فرمان داد کنیزی در عوض غلام به خدمت بگیرند حقوق آن غلام را هم مرتب پرداخت کنند و بعد فرمود: یقین را با شک نمی‌توان پاک کرد و قطع حقوق نیز کیفی است که با خسیس بودن همراه است.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- سماحت و جوانمردی:

قال علی (علیه السلام): كُنْ سَمَحاً.<sup>۲</sup>

بخشنده باش.

۲- تمرین سماحت کن:

قال علی (علیه السلام): عَوِّذُ نَفْسِكَ السَّمَّاحِ.<sup>۳</sup>

خویشتن را به گذشت عادت بده.

۳- سماحت و محبوبیت

قال علی (علیه السلام): مَنْ عَامَلَ النَّاسَ بِالْمُسَامَحَةِ اسْتَمْتَعَ بِصُحْبَتِهِمْ.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> (ترجمه الغدير، ج ۷، ص: ۱۲۵)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۳۳)

<sup>۳</sup> (تحف العقول، ص: ۸۶)

<sup>۴</sup> (غرر الحکم، ص ۶۴۳)

هر که با مردم به گذشت و جوانمردی معامله کند از دوستی مردم برخوردار می‌شود.

۴- سماحت و جذب محبت:

قال علی (علیه السلام): مَنْ سَمِحَتْ نَفْسُهُ بِالْعَطَاءِ اسْتَعْبَدَ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا.<sup>۱</sup>

هر کس خود را به بخشندگی وا دارد مردم دنیا را بنده خود ساخته است.

۵- اهل بیت (علیهم السلام) آسان گیرند:

قال علی (علیه السلام): وَأَمَّا مَنْ فَبَذَلَ لِمَا فِي أَيْدِيَنَا وَأَسْمَحُ عِنْدَ الْمَوْتِ بِنُفْسِنَا.<sup>۲</sup>

و اما ما (بنی هاشم) در آنچه داریم بخشنده‌تریم و در پیکار جانبا‌زتریم.

۶- توصیه به مالک اشتر:

کتبه للمالک اشتر النخعی: تُرُّ أَهْلَ التَّجْدَةِ وَ الشَّجَاعَةِ وَ السَّخَاءِ وَ

السَّمَاخَةِ...<sup>۳</sup>

در نامه حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر؛ پس از آن با مردمانی که

درای بزرگواری و دلاوری و سخاوت هستند رابطه برقرار کن.

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۶۶۰)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۱۲۰)

<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، نامه: ۵۳)

## ۲۹- ایمان

الْمَسْجِدِ بَيْتِ كُلِّ مُؤْمِنٍ<sup>۱</sup>.

مسجد، خانه‌ی هر مؤمنی است.

### داستان

راوی گوید: ابوامید را دیدم که در هر موضع از مسجد الحرام دو رکعت نماز می‌خواند سؤال کردم این چه کاری است چرا در یک جا نماز نمی‌خوانی؟  
جواب داد: زیرا در مکان‌های متعددی که نماز می‌خوانم در قیامت  
برایم گواهی می‌دهند سپس این آیه قرآن را قرائت کرد:

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا<sup>۲</sup>.

روزی که زمین از حوادث خود خبر می‌دهد.  
خدایی که امروز به زبان، اجازه حرف زدن می‌دهد فردا به خاک این  
اجازه را خواهد داد، امروز بشر توانسته است حرف مردم و کار مردم را  
ضبط کند، نگهدارد، پخش کند آیا خدای بشر نمی‌تواند؟

<sup>۱</sup> (مجمع الاحادیث مسجد، ص: ۴۵)

<sup>۲</sup> (زلزله، آیه: ۴)

کتاب:

۱- ایمان برتر از اسلام است:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...

اعراب گفتند ایمان می آوریم بگو شما ایمان نیاوردید بلکه بگوئید اسلام آورده ایم و هرگز ایمان به دل های شما وارد نشده است.<sup>۱</sup>

۲- ایمان واقعی سه رکن دارد:

قال رسول الله ﷺ: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ الْقَلْبِ وَقَوْلُ الْبَلْسَانِ وَعَمَلُ الْبِرِّ أَرْكَانُ<sup>۲</sup>.  
ایمان شناخت با دل و گفتن با زبان و عمل با ارکان و اعضاء است.

۳- ثمره ایمان اخلاص است:

قال علي عليه السلام: الْإِيمَانُ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ<sup>۳</sup>.

ایمان خالص کردن عمل است برای خدا.

۴- ایمان بدون عمل ممنوع:

<sup>۱</sup> (حجرات، آیه: ۸۴)

<sup>۲</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۱۰۶۹)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۵۰)

عن رسول الله ﷺ: لعنتِ المرجئة على لسان سبعين نبياً. الذين يقولون:  
 الايمان قولٌ بلا عمل<sup>۱</sup>.  
 گروه مرجئه همانان که می‌گویند ایمان گفتار است بی‌کردار، از زبان  
 هفتاد پیامبر لعنت شده‌اند.

۵- ایمان و خلق بد ممنوع:

قال علي (عليه السلام): اكملكم ايمانا احسنكم اخلاقا<sup>۲</sup>.

آن کسی که از شما ایمانش کاملتر است که اخلاقیش نیکوتر باشد.  
 ۶- کلاه‌برداری و ایمان هرگز:

قال رسول الله ﷺ: من غش مسلماً فأيس مئاً<sup>۳</sup>.

هر کس غش در معامله کند از ما و طرفداران دین ما نیست.

۷- ایمان با دروغ نمی‌سازد:

قال علي (عليه السلام): لا يجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكِذْبَ هَرْلَهُ وَجِدَّهُ<sup>۴</sup>.

هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد مگر آنکه دروغ گفتن را به  
 شوخی و جدی ترک کند.

<sup>۱</sup> (کنز العمال)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص: ۱۵۲)

<sup>۳</sup> (ثواب الأعمال، ص: ۲۸۴)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۳۴۰)



### ۳۰- قاری

يَأْتِي زَمَانٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ رِجَالٌ مِنْ أُمَّتِي لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ.<sup>۱</sup>  
 روزگاری می آید که قاری‌ها، مردانی از امت من خواهند  
 بود که قرآن خوانی آن‌ها از گردنشان بالاتر نمی‌رود.

### داستان

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: روز قیامت که می‌شود آتش جهنم با سه  
 گروه سخن می‌گوید: کسی که در دنیا سلطنت داشته است و کسی که  
 قاری قرآن بوده است و کسی که از مال دنیا برخوردار بوده است.

به سلطان می‌گوید: ای کسی که خداوند به تو سلطنت داد و تو  
 عدالت نورزیدی! آنگاه او را در خود فرو می‌برد چنانکه پرنده دانه کنجد  
 را در خود فرو می‌برد و به قاری می‌گوید: ای کسی که صوت خود را  
 برای مردم زیبا کردی و با ریاکاری به مخالفت و معصیت خدا پرداختی!  
 او را در خود فرو می‌برد.

---

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۱۷۵۵)

و به دارنده مال و منال می گوید: ای کسی که خداوند به تو مال و ثروت داد و تقاضای قرض مردم را رد کردی و کمک نکردی؟! سپس او را نیز به خود فرو می برد.

کلمه:

۱- اگر دل ظرف قرآن نباشد:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ الَّذِي يَأْسُ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَأَنَّ بَيْتَ الْحَرْبِ.<sup>۱</sup>

کسی در درونش چیزی از قرآن نیست، همانند خانه‌ای ویران است.

۲- سزاوار حامل قرآن نیست که:

قال رسول الله ﷺ: لَا يَنْبَغِي لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ أَنْ يَجِدَّ مَعَ مَنْ حَدَّثَ.

برای حامل قرآن سزا نیست با کسی که با او تندی کرد تندی نماید.<sup>۲</sup>

۳- قرائت بدون تدبّر ممنوع:

قال علي عليه السلام: أَلَّا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ وَ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ.<sup>۳</sup>

بدانید که در قرآن خواندنی که تدبّر در آن نباشد خیری نیست.

۴- چه بسا که قرآن لعنت می کند:

<sup>۱</sup> (میزان الحکمه، ج: ۱۰۰۶)

<sup>۲</sup> (کنز العمال، ج: ۲۳۴۷)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۳۶)

قال رسول الله ﷺ: رَبَّ تَالِي الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ.<sup>۱</sup>

ای بسا قرآن خوانی که قرآن لعنتش می کند.

۵- قاریان گنهکار:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ فِي جَهَنَّمَ رَحَاءً مِنْ حَدِيدٍ تَطْحَنُ بِهَا رُءُوسُ

الْقُرَّاءِ وَالْعُلَمَاءِ الْمُجْرِمِينَ.<sup>۲</sup>

در جهنم آسیابی آهنی است که با آن سرهای قاریان و علماء و گنهکار

آرد می شود.

۶- اگر قرآن در قاری اثر نکند:

قال رسول الله ﷺ: اقْرَأِ الْقُرْآنَ مَا نَهَاكَ فَإِذَا لَمْ يَنْهَكَ فَلَسْتَ تَقْرُؤُهُ.<sup>۳</sup>

تا زمانی که قرآن نفر را از گناهان باز می دارد قرآن بخوان زیرا اگر

تو را باز نداشت (در حقیقت) آنرا نخوانده ای.

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۱۸۴)

<sup>۲</sup> (جامع الأخبار شعیری، ص: ۴۸)

<sup>۳</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۴۲۴)

### ۳۱- شراب

إِيَّاكُمْ وَالْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ<sup>۱</sup>.

از شراب بپرهیزید که کلید همه بدی‌ها و پلیدی‌هاست.

#### داستان

یکی از بلائی که بشر خودش به دست خود بر سر خود می‌آورد شراب و خمر است که در چند مورد قرآن مجید آن را به شدت ممنوع کرده است. برخی از مسلمانان بعد از شنیدن آیات قرآنی نیز به شراب‌خواری خود ادامه دادند و عده‌ای آن را ترک کردند.

شخصی شراب خورد و در حال مستی استخوان فک شتری را برداشت و بر سر عبدالرحمن بن عوف کوبید و سرش را شکست آنگاه نشست مشغول نوحه خواندن بر کشته‌های جنگ بدر شد!

جریان به گوش رسول خدا ﷺ رسید خشمگین شد و در حالی که عبایش به زمین کشیده می‌شد از خانه بیرون آمد و طرف را مورد عتاب

<sup>۱</sup> (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص: ۴۵)

قرار داد و این آیه را خواند: إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ  
الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ. <sup>۱</sup> شیطان  
می خواهد به وسیله ی شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد  
کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد.

پیامبر سیزده آیه از اوّل سوره فصلّت را خواند هنگامی که به این آیه  
رسید: فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ، ولید  
سخت به خود لرزید و بهت زده و گریان به سوی خانه خود رفت و  
بیرون نیامد تا حدّی که قریش او را مسخره کردند که ولید راه نیاکان  
خود را ترک کرد و راه محمد را پیش گرفت. <sup>۲</sup>

کلمه تا:

۱- شراب با ایمان نمی سازد:

قال رسول الله ﷺ: لَا تَجْمَعُ الْخَمْرَ وَالْإِيمَانَ فِي جَوْفِ أَوْ قَلْبِ رَجُلٍ أَبَدًا. <sup>۳</sup>  
شراب و ایمان هرگز در درون یا دل کسی با هم جمع نمی شوند.

<sup>۱</sup> (مائده، ۹۱)

<sup>۲</sup> (فروع ابدیت، ج ۱، ص: ۲۲۹)

<sup>۳</sup> (بحار الانوار، ج ۷۶، ص: ۱۵۲)

۲- شراب مادر همه پلیدی هاست

قال رسول الله ﷺ: الخمرُ أمُّ الفواحشِ وأكبرُ الكبائرِ.<sup>۱</sup>

شراب مادر همه زشت کاری‌ها و گناهان بزرگ است.

۳- شراب و عقل:

قال علي (عليه السلام): فرض الله... ترك شرب الخمرِ تحصيناً للعقل.<sup>۲</sup>

خداوند برای حفظ عقل، ترک شراب‌خواری را واجب کرد.

۴- شراب منشأ فسادهاست:

قال الرضا (عليه السلام): حرّم الله الخمرَ لما فيها من الفساد... وسائر ما يكون

منهم من الفساد والقتل.<sup>۳</sup>

خداوند شراب را حرام فرمود زیرا شراب تباهی می‌آورد و... دیگر

اعمالی چون تبهکاری و قتل که از شراب‌خواری سر می‌زند.

۵- شراب‌خوار و بت پرست:

قال علي (عليه السلام): مُدْمِنُ الخمرِ يَلْقَى اللهَ عَزَّ وَجَلَّ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدِ الوَثْنِ.<sup>۴</sup>

دائم الخمر همچون بت پرست خدا را دیدار خواهد کرد.

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۱۵۴۵)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، حکمت: ۲۵۲)

<sup>۳</sup> (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص: ۹۸)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۶، ص: ۴۰۴)

۶- شارب الخمر مقبول نیست:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شَارِبَ الْخَمْرِ لَا تَصَدَّقُوهُ إِذَا حَدَّثَ وَلَا تَرْجُوهُ إِذَا خَطَبَ وَلَا تَعُوذُوهُ إِذَا مَرِضَ وَلَا تَحْضُرُوهُ إِذَا مَاتَ وَلَا تَأْتِمُونَهُ عَلَى أَمَانَةٍ مِمَّنِ اتَّخَمَنَهُ عَلَى أَمَانَةٍ فَاسْتَهْلَكَهَا<sup>۱</sup>.

شراب‌خوار اگر سخنی گفت باور نکنید اگر خواستگاری کرد به او زن ندهید اگر مریض شد به عیادتش نروید اگر مُرد در تشییع جنازه‌اش شرکت نکنید. امانت به دست او نسپارید که در غیر این صورت مالت را تلف کرده‌ای.

۷- نماز شراب‌خوار قبول نیست:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً<sup>۲</sup>.

کسی که مستی آور بنوشد تا چهل شبانه‌روز نمازش پذیرفته نشود.

۸- مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَنَالُ سَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ وَلَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> (وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص: ۳۱۳)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۶، ص: ۴۰۰)

<sup>۳</sup> (وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص: ۳۳۱)

کسی که مسکری بنوشد به شفاعت من نمی‌رسد و به خدا قسم بر من در  
حوض کوثر وارد نشود.



## ۳۲- کشاورزی

### أَحْرَثُوا فَإِنَّ الْحَرْثَ مَبَارِكٌ.

کشاورزی کنید که کشاورزی برکت می آورد.

داستان

گاهی انسان‌ها در دنیا گندم و جو می کارند و از آن بهره می‌برند و گاهی زراعتی به نام باقیات الصالحات کاشته و به امید اینکه روزی داس درو بردارد و حاصل این کاشت خودش را در قیامت بردارد آن هم از هر دانه بیش از هفتصد دانه!

سعدی شیرازی می گوید:

مال از بهر آسایش عمر است      نه عمر از بهر گرد کردن مال.  
عاقلی را پرسیدند نیک‌بخت کیست و بدبخت کدام است؟ گفت:  
نیک‌بخت آن که خورد و کِشت و بدبخت آن که مرد و هِشت!<sup>۱</sup>

کلمه:

<sup>۱</sup> هِشت = فرو گذاشت

<sup>۲</sup> (حکایت‌ها و حکمت‌ها)

۱- درخت کاری یادگاری دائمی است:

قال رسول الله ﷺ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ  
إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.<sup>۱</sup>

هر مسلمانی درختی بنشانند یا زراعتی بکارند و انسانی یا پرنده‌ای یا  
چرنده‌ای از محصول آن بخورد برای وی صدقه محسوب می‌شود.

۲- اگر زراعت نکرده محتاج شویم:

قال الباقر عليه السلام: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.<sup>۲</sup>

هر کس آب و زمینی داشته باشد (و نکوشد و کشت نکند) و فقیر و  
نیازمند گردد، خدا او را از رحمتش دور سازد.

۳- کشاورزان، دارای توکل قوی:

قال الصادق عليه السلام: وَسُئِلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَعَلَى اللَّهِ  
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ قَالَ الزَّارِعُونَ.<sup>۳</sup>

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره این آیه سؤال شد: اهل توکل باید به خدا  
توکل کنند. فرمود: منظور از اهل توکل؛ کشاورزان هستند.

<sup>۱</sup> (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص: ۴۶۰)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص: ۴۱)

<sup>۳</sup> (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۲۵۳)

۴- بهترین عمل کشاورزی است:

قال الباقر عليه السلام: كَانَ أَبِي يَقُولُ خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ<sup>۱</sup>

پدرم می فرمود بهترین کارها کشاورزی است چیزی را می کاری و نیک و بد از آن می خورند.

۵- کشاورزان گنج های خدایی:

سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنِ الْفَلَاحِ حِينَ فَقَالَ عليه السلام: هُمُ الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ<sup>۲</sup>

امام صادق عليه السلام در جوابی به یزید بن هارون درباره کشاورزان فرمود: کشاورزان گنج های خدایند در زمین.

۶- زارعان بهترین هایند:

قال الصادق عليه السلام: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِدْرِيسَ عليه السلام فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطًا<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۵، ص: ۲۶۰)

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص: ۴۲)

<sup>۳</sup> (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص: ۳۸۴)

خدا هیچ پیامبری را نفرستاد مگر آن که کشاورزی بود مگر ادريس عليه السلام  
که خیاط بود.

۷- بهترین عمل است:

قال الصادق عليه السلام: مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرْعَةِ.<sup>۱</sup>  
هیچ کاری نزد خدا محبوب تر از زراعت نیست.

---

<sup>۱</sup> (تهذیب الأحكام، ج ۶، ص: ۳۸۴)

## ۳۳- جایگاه محبت

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ.<sup>۱</sup>

دوست داشتن دنیا آغاز همه زشتی‌ها  
و کلید همه گناهان است.

داستان

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه هجرت فرمود در بین راه با شخصی که همراه حضرت بود گذرشان به خیمه امّ معبد خزاعی افتاد امّ معبد در جلو خیمه نشسته بود آنها از او قدری خرما یا گوشت خواستند که بخرند. اما نداشت چرا که خشکسالی او را دچار فقر کرده بود، امّ معبد گفت: بخدا اگر می‌داشتم نثار مقدمت می‌کردم، چشم حضرت به گوسفندی افتاد که در گوشه خیمه افتاده بود فرمود: این گوسفند چرا تنها اینجا مانده؟ امّ معبد گفت ضعف و ناتوانی او را از گله بازداشت.

حضرت فرمود: شیر می‌دهد؟ گفت ناتوانی‌اش آنقدر زیاد است که شیر دو پستانش جمع نمی‌شود. حضرت گوسفند را طلبید دستی به پستانش

<sup>۱</sup> (ارشاد القلوب، ج ۱، ص: ۲۱)

کشید و نام خدا برد شیر از پستانش جاری شد شیر را در ظرفی ریخت و به آن زن داد آن را نوشید و سیر شد.

کلمه:

۱- حبّ خدا در عمل معلوم می شود:

قال علی (عليه السلام): كَيْفَ يَدَّعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبَهُ حُبَّ الدُّنْيَا؟<sup>۱</sup>

آن کس که محبت دنیا را در دلش جای داده است چگونه ادعای محبت و دوستی خدا دارد؟.

۲- حبّ به خدا کافی است:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): مِنْ أَمَرِ مَحَبَةِ اللَّهِ عَلَى مَحَبَةِ نَفْسِهِ نَكَاهُ اللَّهُ مَوْناً النَّاسِ.<sup>۲</sup>

هر کس محبت خدا را بر خویشتن ترجیح داد خداوند گرفتاری او را کفایت می کند.

۳- صدای محبّ محبوب حیب است:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): إِنْ لَمْ يَلِدِ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا ابْتَلَاهُ لِيَسْمَعَ تَضَرُّعَهُ.<sup>۳</sup>

چون خدا بنده‌ای را دوست دارد مبتلایش می کند تا زاری اش را بشنود.

<sup>۱</sup> (عیون الحکم، حدیث: ۶۴۷۴)

<sup>۲</sup> (کنز العمال)

<sup>۳</sup> (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۴)

۴- حبّ و بغض در راه خدا:

قال رسول الله ﷺ: في وصية لعلّي ليبيد: من أوثق عرى الإيمان أن يُحِبَّ لله و يُبغضَ لله.<sup>۱</sup>

از محکم‌ترین دستاویزهای ایمان حبّ و بغض در راه خداست.

۵- ایمان غیر از این نیست:

قال الصادق عليه السلام: هل الإيمان إلا الحبُّ والبغض.<sup>۲</sup>

آیا ایمان غیر از حبّ و بغض و دوستی و دشمنی چیزی می‌تواند باشد؟

۶- دوستی دوطرفه است:

قال النبي ﷺ: من أحب لقاء الله أحب لقاءه ومن كره لقاء الله كره لقاءه.<sup>۳</sup>

هر کس دوستدار لقاء خدا باشد خدا نیز دیدارش را دوست دارد و

هر کس دیدار حقّ نخواست خدا نیز دیدارش را مکروه دارد.

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۱۲۵)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۲، ص: ۱۲۵)

<sup>۳</sup> (مصباح الشریعه، ص: ۱۷۲)

### ۳۴ - پیشوایان گمراه کننده

إِنَّمَا أَخَافُ عَلَىٰ أُمَّتِي الْأَيْمَةَ الْمُضِلِّينَ.<sup>۱</sup>

آنچه از آن به امت خود بیمناکم

پیشوایان گمراه کننده است.

#### داستان

زید بن ارقم بر معاویه وارد شد دید عمر و عاص با او بر یک تخت نشسته است چون این منظره را دید خود را در بین آن دو قرار داد. عمر و عاص به او گفت: جای دیگری نیافتی که آمدی اتصال مرا با امیرالمؤمنین معاویه قطع کردی؟!

زید در جواب گفت: رسول خدا ﷺ به جنگی رفته بود و شما نیز با آن حضرت بودید چون رسول خدا ﷺ شما را دید نظر تندی به سویتان انداخت. روز دوم چون شما را با هم دید با همان دید به شما نگاه کرد و در سومین روز فرمود: هر زمان که معاویه را با عمر و عاص دیدید بینشان جدائی بیندازید زیرا اجتماع این دو هرگز به خیر نخواهد بود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۲۸، ص: ۳۲)

<sup>۲</sup> (ترجمه الغدير، ج ۳، ص: ۳۳۳)



کتاب:

۱- ضرورت وجود امام:

قال الباقر عليه السلام: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهِ كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.<sup>۱</sup>

اگر برای لحظه‌ای وجود امام از زمین برداشته شود زمین ساکنان خود را چنان به تلاطم می‌اندازد که امواج دریا، دریانشینان را.  
۲- امام بد، گمراه‌کننده است:

قال علي عليه السلام: إِنَّ سَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَضُلَّ بِهِ.<sup>۲</sup>  
بدترین مردم نزد خدا پیشوای ستمگری است که خود گمراه است و سبب گمراهی می‌شود.

۳- مدعیان دروغی امامت:

قال الصادق عليه السلام: مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَلَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ.<sup>۳</sup>  
هر که ادعای امامت کند در حالی که شایستگی آن را ندارد کافر است.  
۴- اگر امام اهل نبود:

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۱۷۹)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، خطبه: ۱۶۴)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۳۷۲)

قال رسول الله ﷺ: لَا طَاعَةَ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ.<sup>۱</sup>

از کسی که فرمانبر خدا نیست نباید فرمان برد.

۵- پیشوای باطل کمرشکن است:

قال رسول الله ﷺ: يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ إِمَامٌ يُعَصِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

وَيُطَاعُ أَمْرُهُ...<sup>۲</sup>

ای علی! چهار چیز کمرشکن است یکی از آنها پیشوائی که خدا را

نافرمانی می کند ولی فرمانش را می برند.

۶- پیشوایان آتش:

وَجَعَلْنَا هُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ.

و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش دوزخ دعوت

می کنند.

۷- وقتی به پیشوا اقتدا می کنید:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ أَيْمَتَكُمْ وَفَدُكُمْ إِلَى اللَّهِ، فَانظُرُوا مَنْ تُوَفَّدُونَ فِي

دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> (کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص: ۸۸۴)

<sup>۲</sup> (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۶۵)

<sup>۳</sup> (وسائل الشيعة، ج ۸، ص: ۳۴۷)

همانا امامان شما راهبران شما به سوی خدایند پس بنگرید که در  
دین و نمازتان به چه کسی اقتدا می‌کنید.

### ۳۵- عزت و ذلت

إِنَّ مَعَ الْعِزِّ ذُلًّا<sup>۱</sup>

در کنار قدرت، ذلت قرار دارد.

#### داستان

سید حیدر، شاعر روشندل اهل بیت عصمت علیهم السلام در یکی از مراسم مذهبی قصیده شیوایی سرود و قصد رفتن به خانه آیت الله شیرازی نمود، پس از جلسه سید قصد داشت بیست لیره عثمانی به عنوان صلّه به سید حیدر بدهد ولی بعد از اینکه قضیه را به عموی خود حاج میرزا اسماعیل در میان گذاشت وی دادن این مبلغ کم را صلاح ندید و گفت او شاعر دربار (اهل بیت) است و این مقدار زینده مقام ایشان نیست. سید حیدر از امثال دعبل و حمیری برتر است پیشوایان دین به شاعران زمان خود کیسه‌های طلا می‌دادند و لذا سزاوارتر است یکصد لیره بدست خودت به ایشان بدهی. لذا این آیت الله بزرگ به زیارت سید حیدر رفت و مبلغ صد

<sup>۱</sup> (خصال، ج ۱، ص: ۱۱۴)

لیره را به عنوان صله با کمال تجلیل و احترام به این شاعر بزرگوار مرحمت فرمود و دست او را بوسید.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- عزّت غیرخدائی هرگز:

قال علی (علیه السلام): الْعَزِيزُ بَعْدَ اللَّهِ ذَلِيلٌ.<sup>۲</sup>

عزیز غیرخدایی ذلیل است.

۲- فزون طلبی ذلت آور است:

قال علی (علیه السلام): التَّقَلُّلُ وَلَا التَّدَلُّ.<sup>۳</sup>

به اندک بسنده کنید و تن به خواری ندهید.

۳- مرگ با عزّت شرف دارد!

قال الحسين (علیه السلام): مَوْتُ فِي عَزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ.<sup>۴</sup>

مرگ در عزّت از زندگانی در حال ذلت بهتر است.

۴- ذلیل کیست؟

<sup>۱</sup> (ترجمه الغدير، ص: ۴۰۱)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص: ۱۰)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۳۱)

<sup>۴</sup> (بحار الانوار، ج ۴۴، ص: ۱۹۲)

قال رسول الله ﷺ: أَدُلُّ النَّاسَ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ.<sup>۱</sup>

ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند  
۵- ذلت پذیری ممنوع:

قال رسول الله ﷺ: مَنْ أَقْرَبَ النَّاسَ طَائِعًا فَلَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.<sup>۲</sup>

هر کس آزادانه خواری و زبونی را بپذیرد از ما خاندان نیست.  
۶- گناه ذلت آور است:

قال علي (عليه السلام): مَنْ تَلَدَّ بِمَعْاصِي اللَّهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا.<sup>۳</sup>

کسی که از نافرمانی خدا لذت ببرد خداوند ذلت نصیبش می کند.  
۷- عالمی به یک ساعت ذلت نمی ارزد:

قال علي (عليه السلام): سَاعَةٌ ذُلٌّ لَا تَنْفِي بِعِزَّةِ الدَّهْرِ.<sup>۴</sup>

ساعتی خوار بودن با عزت تمام روزگار برابری نمی کند.  
۸- ذلت حرص:

قيل لعلي (عليه السلام): أَيُّ ذُلٍّ أَدُلُّ؟ قَالَ: الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> (بحار الانوار، ج ۷۵، ص: ۱۴۲)

<sup>۲</sup> (تحف العقول، ص: ۵۸)

<sup>۳</sup> (تصنيف غرر الحكم، ص: ۱۸۶)

<sup>۴</sup> (عيون الحكم، حديث: ۵۱۳۶)

<sup>۵</sup> (وسائل الشيعة، ج ۷، ص: ۸۳)

به امام (علیه السلام) گفته شد. کدام ذلت خوارکننده تر است؟ فرمود: حرص بر دنیا.

### ۳۶- بی نماز

بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرِكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ.<sup>۱</sup>

فاصله انسان با شرک و کفر نخواندن نماز است.

#### داستان

در سال نهم هجری مردم گروه گروه به مدینه می آمدند و مسلمان می شدند، از جمله گروهی از طایفه ثقیف (ساکن طائف) آمدند پیامبر ﷺ پس از گفتگوی طولانی با آنان فرمود نماز بخوانید. آنها گفتند ما خم نمی شویم زیرا این کار برای ما عار است، پیامبر ﷺ فرمود:

لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَيْسَ فِيهِ رُكُوعٌ وَسُجُودٌ.<sup>۲</sup>

در دینی که در آن رکوع و سجود نباشد خیری نیست.  
به نقل برخی از مفسران<sup>۳</sup> آیه چهل و هشتم سوره مبارکه مرسلات در رد پیشنهاد آنان با این عبارت نازل شد:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ.

<sup>۱</sup> (تفسیر الحدیث، ج ۹، ص: ۳۵۶)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص: ۱۰۰)

<sup>۳</sup> (مجمع البیان، ج ۱۰، ص: ۴۱۹)



و چون به آنان گفته شود رکوع کنید رکوع نکنند.

کلمه:

۱- نماز تابلوی دین است:

قال رسول الله ﷺ: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَوَجْهُ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ.<sup>۱</sup>

هر چیزی چهره‌ای دارد و چهره دین شما نماز است.

۲- نماز وصیت همه پیامبران است:

قال الصادق عليه السلام: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ وَهِيَ آخِرُ

وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ.<sup>۲</sup>

۳- نماز معالجه درد تکبر است:

قالت الزهراء عليها السلام: فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً مِنَ الْكِبْرِ.<sup>۳</sup>

خداوند نماز را به منظور دور کردن انسان از کبر واجب کرده است.

۴- اگر طعم نماز را بچشیم:

<sup>۱</sup> (کافی، ج ۳، ص: ۲۷۰)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۳، ص: ۲۶۴)

<sup>۳</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۹، ص: ۲۰۹)

قال علی علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّيُّ مَا يَعْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ.<sup>۱</sup>

اگر نماز گذار بداند که چه هاله‌ای از جلال خدا او را فرو می‌پوشاند هرگز دوست ندارد که سر خود را از سجده‌اش بردارد.

۵- نماز اول وقت:

قال الصادق علیه السلام: إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.

فضیلت نماز اول وقت بر آخر وقت همچون فضیلت آخرت است بر دنیا.

۶- فضیلت نماز با جماعت:

قال لقمان لابنه: صَلِّ فِي جَمَاعَةٍ وَوَلِّ عَلَى رَأْسِ نَجٍّ.<sup>۲</sup>

نماز را با جماعت بخوان گرچه روی نیزه باشد!

۷- نماز مایه نزدیکی به خداست:

قال علی علیه السلام: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ.<sup>۳</sup>

نماز مایه‌ی تقرب هر انسان پرهیزگاری است.

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۹، ص: ۲۰۷)

<sup>۲</sup> (کافی، ج ۸، ص: ۳۴۹)

<sup>۳</sup> (تحف العقول، ص: ۱۱۰)

۳۷- همسایه

الْجَارُ قَبْلَ الدَّارِ وَالرَّفِيقُ قَبْلَ الطَّرِيقِ

وَالزَّادُ قَبْلَ الرَّحِيلِ<sup>۱</sup>

همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه  
و توشه را پیش از سفر باید بدست آورد.

داستان

حقّ مسلمانان این است که همسایگان از نور او استفاده کنند و اگر در راه نیستند با کردار او به راه بیایند ولی گاهی این قاعده به عکس اتفاق می‌افتد.

مؤذن با صدائی در شهری زندگی می‌کرد، او هر روز با صدای بد و ناموزونی اذان می‌گفت یک وقت یک همسایه یهودی که داشت برای او هدیه‌ای آورد، مؤذن پرسید این هدیه برای چیست؟ همسایه گفت: تو حقّ بزرگی به گردن من داری! مؤذن گفت: چه خدمتی کرده‌ام؟

---

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۱۳۱۶)

یهودی گفت دختری دارم که مدتی است عاشق اسلام شده و در آستانه مسلمان شدن بود که اذان گفتن تو باعث دوری او از اسلام شد و من راحت شدم و خلاصه تو با این صدایت نگذاشتی که او از دستم برود و مسلمان شود!

کلمه:

۱- سفارش اکید:

قال علي (عليه السلام): الله الله في جيرانكم فإنهم وصية نبيكم<sup>۱</sup>

خدا را خدا را درباره همسایگانان مراقب باشید زیرا آن‌ها مورد سفارش پیامبرتان هستند.

۲- سفارش رسول خدا:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من ضيع حق جاره فليس منا<sup>۲</sup>

هر کس که حق همسایه‌اش را ضایع سازد از ما نیست.

۳- همسایه بد:

قال علي (عليه السلام): جار السوء أعظم الضرراء وأشد البلاء<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، نامه: ۴۹)

<sup>۲</sup> (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۱۳)

<sup>۳</sup> (غرر الحکم، ص: ۳۳۷)

همسایه بد، بزرگ‌ترین رنج و سخت‌ترین بلاست.

۴- از نعمت‌های خدا:

قال رسول الله ﷺ: مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ سَعَةُ الْمَسْكِنِ وَالْجَارِ الصَّالِحِ وَالْمَرْكَبِ الْهَنِيءِ.<sup>۱</sup>

از سعادت مسلمان داشتن خانه وسیع، همسایه نیک و مرکب راهوار است.

۵- شرط مسلمانی:

قال علي (عليه السلام): أَحْسِنَ جِوَارَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا.<sup>۲</sup>

با همسایه، خوب همسایگی کن که مسلمان باشی.

۶- هر که خوش همسایه است:

قال علي (عليه السلام): مَنْ حَسَنَ جِوَارُهُ كَثُرَ حَيْرَانُهُ.<sup>۳</sup>

آن کسی که خوش همسایه باشد همسایگانیش زیاد می‌شود.

۷- شقاوت در چهار مورد:

قال علي (عليه السلام): أَرْبَعَةٌ مِنَ الشَّقَاءِ؛ ج

أَرْسُ السَّوِّءِ وَوَلَدُ السَّوِّءِ وَامْرَأَةُ السَّوِّءِ وَالْمَنْزِلُ الصَّبِيقُ.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> (خصال، ج ۱، ص: ۱۸۳)

<sup>۲</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص: ۱۱۲)

<sup>۳</sup> (غرر الحکم، ص: ۵۷۸)

<sup>۴</sup> (شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص: ۲۷۶)

چهار چیز از بدبختی است:  
همسایه بد، فرزند بد زن بد، خانه تنگ.

## ۳۸- انتخاب همسر

تَخَيَّرُوا النُّطْفِ كُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ

إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ.<sup>۱</sup>

برای نطفه‌های خود جای مناسب انتخاب کنید زیرا  
زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می‌آورند.

داستان

ابن ابی شیبب و ابویعلی حکایت کرده‌اند، وقتی معاویه بر شام حکمرانی می‌کرد یزید در جنگ مسلمانان شرکت نمود کنیزی نصیب مردی شد و یزید او را از آن مرد غصب کرد آن مرد به ابوذر متوسل شد ابوذر با او به نزد یزید رفتند و سه بار او را امر به ردّ کنیز کرد و او بهانه آورد، سرانجام ابوذر گفت: به خدا سوگند هر چه می‌خواهی بکن اما بدان که همانا من از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: اوّل کسی که سنّت مرا تغییر دهد مردی از بنی امیّه است! این را گفت و بازگشت.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> (نهج الفصاحه، حدیث: ۱۱۳۲)

<sup>۲</sup> (ترجمه الغدیر، ج ۶ ص: ۸۴)

## کلمه:

۱- یک زن از هزار مرد بهتر:

قال رسول الله ﷺ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ.<sup>۱</sup>

یک زن نیکوکار از هزار مرد ناصالح پرارزش تر است

۲- متاعی برتر:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الزَّوْجَةُ

الصَّالِحَةُ.<sup>۲</sup>

دنیا کالائی است و هیچ متاعی در دنیا بهتر از زن صالح نیست.

۳- انبیاء طرفداران زنان بودند:

قال الصادق علیه السلام: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ.<sup>۳</sup>

از اخلاق پیامبران (علیهم السلام) دوستی زنان است.

۴- لشکر شیطان:

قال رسول الله ﷺ: مَا لِإِبْلِيسَ جُنْدٌ أَكْثَرُ مِنَ النِّسَاءِ وَالْغَضَبِ.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۱۷۲)

<sup>۲</sup> (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص: ۱۵۰)

<sup>۳</sup> (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص: ۲۳۶)

<sup>۴</sup> (کافی، ج ۵، ص: ۵۱۵)



ابلیس سپاهی نیرومندتر از زنان و خشم ندارد.

۵- فتنه‌ها:

قال علی علیه السلام: الْفِتْنُ ثَلَاثُ حُبِّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَ...<sup>۱</sup>

فتنه‌ها سه تاست: یکی از آنها زن دوستی که شمشیر شیطان است.

۶- زن زدگی ممنوع:

قال علی علیه السلام: مَنْ أَحَبَّ النِّسَاءَ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعَيْشِهِ.<sup>۲</sup>

کسی که زن دوست (زن ذلیل) باشد از زندگی‌اش بهره‌ای نمی‌برد.

<sup>۱</sup> (خصال، ج ۱، ص: ۱۱۳)

<sup>۲</sup> (خصال، ج ۱، ص: ۱۱۳)

### ۳۹- نشانه غافلان

عَلَامَةُ الْغَافِلِ فَأَرْبَعَةٌ أَعْمَى وَالسَّهْوُ  
وَاللَّهْوُ وَالنَّسْيَانُ.<sup>۱</sup>

نشانه ناآگاهان چهار چیز است کوردلی و فراموشی  
هوسرانی و از یاد بردن خدا.

داستان

ما اگر از دنیا غافل باشیم دنیا از ما غافل نیست و به قول معصومین (علیهم السلام) هر قدمی که برمی داریم به سوی مرگ نزدیک تر می شویم. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قبر هر روز ندا می کند که منم خانه تنهائی و وحشتناک. منم خانه تاریکی و ظلمت. منم خانه مار و عقرب و حشرات. منم خانه قبر که یا باغی از باغهای بهشتم و یا گودالی از گودالهای جهنم.<sup>۲</sup>

کلمه:

<sup>۱</sup> (تحف العقول، ص: ۲۲)

<sup>۲</sup> (حکایاتها و حکمتها، ص: ۶۰)

۱- با دشمنی همچون شیطان غفلت چرا؟

قال الصادق عليه السلام: الْعَقْلَةُ ضَلَالَةٌ.<sup>۱</sup>

غفلت گمراهی است.

۲- غفلت و هلاکت:

قال علي عليه السلام: مَنْ طَالَتْ عَقْلُهُ تَعَجَّلَتْ هَلَكَتُهُ.<sup>۲</sup>

هر که غفلتش طولانی شد هلاک شد.

۳- نجات از غفلت:

قال علي عليه السلام: بِدَوَامِ ذِكْرِ اللَّهِ تَنَجَّابُ الْعَقْلَةِ.<sup>۳</sup>

با پیوسته به یاد خدا بودن است که پرده غفلت کنار می‌رود.

۴- اگر روزگار را بشناسیم:

قال علي عليه السلام: إِنَّ مَنْ عَرَفَ الْيَوْمَ لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ.<sup>۴</sup>

هر کس تحولات روزگار را شناخت از آماده شدن (برای آخرت) غافل

نشد.

۵- ترک مسجد و غفلت:

<sup>۱</sup> (غررالحکم، ص: ۲۵)

<sup>۲</sup> (غررالحکم، ص: ۶۰۹)

<sup>۳</sup> (غررالحکم، ص: ۳۰۱)

<sup>۴</sup> (توحید صدوق، ص: ۷۴)

قال المجتبیؑ: الْعَقْلَةُ تَرَكُّكَ الْمَسْجِدَ وَطَاعَتِكَ الْمُفْسِدِ.<sup>۱</sup>  
 غفلت آنست که مسجد را ترک کنی و از تبهکاران فرمان ببری.  
 ۶- دل را می میراند:

قال علیؑ: مَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْعَقْلَةُ مَاتَ قَبْلَهُ.<sup>۲</sup>  
 هر کس غفلت بر او چیره گردد، دلش بمیرد.  
 یک لحظه غافل گشتم و صد سال راهم دور شد  
 رفتم که خار از پا کشم محمل ز چشمم دور شد.

<sup>۱</sup> (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص: ۱۱۵)

<sup>۲</sup> (تصنیف غرر، حدیث: ۵۷۶۵)

۴۰- حبّ علی علیه السلام

يَا عَلِيُّ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ.<sup>۱</sup>

یا علی! دروغ می گوید آنکه گمان می کند  
مرا دوست دارد و دشمن تو باشد.

داستان

دو دوست شاعر ملامحمد گیلانی و ابن حمّاد در مدیحه حضرت علی علیه السلام شعری سروردند و هر کدامشان روی برتری شعرشان مدعی بودند قصیده هایشان را در ضریح مقدّس حضرت علی علیه السلام انداختند تا اینکه حضرت درباره شعرشان قضاوت کند قصیده گیلانی بیرون آمد در حالی که با آب طلا نوشته شده بود آفرین خوب گفتمی و بر قصیده ابن حماد همان جمله را با آب نقره نوشته بود. ابن حماد ناراحت شد و گلایه کرد که من دوست قدیمی شمایم و این تازه به جمع دوستان شما آمده است، می گویند حضرت را در عالم رؤیا دید که به او فرمود: تو از ما هستی

<sup>۱</sup> (أمالی طوسی، ص: ۴۲۶)

و او تازه به ما رسیده است و ولایت ما را پذیرفته پس بر ما لازم است که او را رعایت کنیم.<sup>۱</sup>

کلمه:

۱- دشمن علی (علیه السلام) منافق است:

قال رسول الله ﷺ: قَالَ لِعَلِيٍّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا

مُتَّافِقٌ.<sup>۲</sup>

ای علی! ترا جز مؤمن دوست ندارد و جز منافق دشمنت نمی دارد.

۲- به هر طرف که علی (علیه السلام) رفت حق است:

قال رسول الله ﷺ: الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ أَيْنَمَا مَلَ.<sup>۳</sup>

حق با علی (علیه السلام) است هر جا که رو کند.

۳- علی (علیه السلام) مظلوم است:

قال علي (عليه السلام): مَا زِلْتُ مُدْقِضَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَظْلُومًا.<sup>۴</sup>

از همان زمانی که رسول خدا ﷺ رحلت فرمود همواره مظلومم.

<sup>۱</sup> (ترجمه الغدير، ج ۱۱، ص: ۲۲)

<sup>۲</sup> (وسائل الشيعة، ج ۲، ص: ۳۱۹)

<sup>۳</sup> (کافی، ج ۱، ص: ۲۹۴)

<sup>۴</sup> (خصائص الأئمة، ص: ۹۹)

۴- علی (علیه السلام) هرگز تردید نکرد:

قال علی (علیه السلام): مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ<sup>۱</sup>.

از آن زمان که حق به من معرفی شد در آن تردید نکرده‌ام.

۵- علی (علیه السلام) خوار کننده دنیا:

قال علی (علیه السلام): أَنَا كَابُّ الدُّنْيَا لِوَجْهِهَا<sup>۲</sup>.

من دنیا را به رو، بر زمین کوبیده و چهره‌اش را به خاک مالیدم.

۶- علی (علیه السلام) و پیروانش:

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ عَلِيًّا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>۳</sup>.

علی (علیه السلام) و شیعیانش همان رستگاران روز قیامتند.

۷- سرخط نامه اعمال مؤمن:

قال رسول الله ﷺ: عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ<sup>۴</sup>.

سرلوحه کارنامه مؤمن، دوستی علی بن ابیطالب (علیه السلام) است.

<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، خطبه: ۴)

<sup>۲</sup> (نهج البلاغه، خطبه: ۱۲۸)

<sup>۳</sup> (بحار الأنوار، ج ۲۷، ص: ۱۴۳)

<sup>۴</sup> (بحار الأنوار، ج ۳۹، ص: ۳۰۵)

- مقدمه ..... ۵
- ۱- قدر زندگی ..... ۷
- ۲- مسئولیت انسان ..... ۱۱
- ۳- برتری آخرت بر دنیا ..... ۱۵
- ۴- توبه ..... ۲۰
- ۵- دعا ..... ۲۲
- ۶- نظر و نگاه ..... ۲۷
- ۷- تجارت ..... ۳۱
- ۸- مرگ و اجل ..... ۳۴
- ۹- کار خوب ..... ۳۹
- ۱۰- خدعه ..... ۴۲
- ۱۱- حرص و آز ..... ۴۶
- ۱۲- قانع بودن ..... ۵۰
- ۱۳- دین ..... ۵۴
- ۱۴- نافله شب ..... ۵۷
- ۱۵- مرض و علاج ..... ۶۱
- ۱۶- امامت ..... ۶۵



- ۱۷- زنا..... ۶۸
- ۱۸- مؤمنان واقعی..... ۷۲
- ۱۹- حجّ..... ۷۵
- ۲۰- علماء..... ۷۹
- ۲۱- نیّت..... ۸۳
- ۲۲- دین..... ۸۷
- ۲۳- نفاق..... ۹۱
- ۲۴- تکبّر..... ۹۴
- ۲۵- یقین..... ۹۷
- ۲۶- قسم..... ۱۰۰
- ۲۷- سبکسری ممنوع..... ۱۰۳
- ۲۸- سهولت..... ۱۰۷
- ۲۹- ایمان..... ۱۱۰
- ۳۰- قاری..... ۱۱۳
- ۳۱- شراب..... ۱۱۶
- ۳۲- کشاورزی..... ۱۲۱
- ۳۳- جایگاه محبّت..... ۱۲۵
- ۳۴- پیشوایان گمراه کننده..... ۱۲۸
- ۳۵- عزّت و ذلّت..... ۱۳۲

- ۳۶- بی نماز..... ۱۳۶
- ۳۷- همسایه..... ۱۳۹
- ۳۸- انتخاب همسر..... ۱۴۳
- ۳۹- نشانه غافلان..... ۱۴۶
- ۴۰- حبّ علی علیه السلام..... ۱۴۹